



روش تحقیق

مجموعه علوم سیاسی

مؤلف: معزالدين بابافانی تیموری

سری کتابهای کمک آموزشی کارشناسی ارشد

باباخانی تیموری، معزالدین
روش تحقیق / کارشناسی ارشد مجموعه علوم سیاسی / معزالدین باباخانی تیموری
مشاوران صعود ماهان، ۱۴۰۲
۲۰۰ ص: جدول، نمودار (آمادگی آزمون کارشناسی ارشد علوم سیاسی)
ISBN: 978- 600- 458-707-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
فارسی - چاپ اول
۱- روش تحقیق
۲- آزمونها و تمرینها (عالی)
۳- آزمون دوره های تحصیلات تکمیلی
۴- دانشگاهها و مدارس عالی - ایران - آزمونها

روش تحقیق	نام کتاب: ☒
معزالدین باباخانی تیموری	مؤلف: ☒
مشاوران صعود ماهان	ناشر: ☒
اول / ۱۴۰۲	نوبت و تاریخ چاپ: ☒
۱۰۰۰ جلد	تیراژ: ☒
ISBN: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۴۵۸ - ۷۰۷ - ۵	شابک: ☒
۲ / ۸۷۰ / ۰۰۰ ریال	قیمت: ☒

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری،
روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰
تلفن: ۴-۸۸۱۰۰۱۱۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه آموزش عالی آزاد ماهان می باشد و هر
گونه اقتباس کپی برداری از این اثر بدون اخذ مجوز پیگرد قانونی دارد.

مقدمه ناشر

آیا آنان که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند برابرند؟ (قرآن کریم)

پس از حمد و سپاس و ستایش به درگاه بی‌همتای احدیت و درود بر محمد مصطفی، عالی نمونه بشریت که در تاریخ دور تاریخ، بنا به فرمان نافذ صمدیت از میان مردمی برخاست که خود بودند در پست‌ترین حد توحش و ضلال و بربریت و آنگاه با قوانین شامل خویش هم ایشان را راهبری نمود و رهانید از بدویت و استعانت جوییم از قرآن کریم، کتابی که هست جاودانه و بی‌نقص تا ابدیت.

کتابی که در دست دارید آخرین ویرایش از مجموعه کتب خودآموز مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان است که بر مبنای خلاصه درس و تأکید بر نکات مهم و کلیدی و تنوع پرسش‌های چهار گزینه‌ای جمع‌آوری شده است. در این ویرایش ضمن توجه کامل به آخرین تغییرات در سرفصل‌های تعیین شده جهت آزمون‌های ارشد تلاش گردیده است که مطالب از منابع مختلف معتبر و مورد تأکید طراحان ارشد با ذکر مثال‌های متعدد به صورت پرسش‌های چهار گزینه‌ای با کلید و در صورت لزوم تشریح کامل ارایه گردد تا دانشجویان گرامی را از مراجعه به سایر منابع مشابه بی‌نیاز نماید.

لازم به ذکر است شرکت در آزمون‌های آزمایشی ماهان که در جامعه آماری گسترده و در سطح کشور برگزار می‌گردد می‌تواند محک جدی برای عزیزان دانشجو باشد تا نقاط ضعف احتمالی خود را بیابند و با مرور مجدد مطالب این کتاب، آن‌ها را برطرف سازند که تجربه سال‌های مختلف موکد این مسیر به عنوان مطمئن‌ترین راه برای موفقیت می‌باشد.

لازم به ذکر است از پورتال ماهان به آدرس www.mahanportal.ir می‌توانید خدمات پشتیبانی را دریافت دارید. و نیز بر خود می‌بالیم که همه ساله میزان تطبیق مطالب این کتاب با سؤالات آزمون‌های ارشد- که از شاخصه‌های مهم ارزیابی کیفی این کتاب‌ها می‌باشد- ما را در محضر شما سربلند می‌نماید.

در خاتمه بر خود واجب می‌دانیم که از همه اساتید بزرگوار و دانشجویان ارجمند از سراسر کشور و حتی خارج از کشور و همه همکاران گرامی که با ارایه نقطه نظرات سازنده خود ما را در پربارتر کردن ویرایش جدید این کتاب یاری نمودند سپاسگزاری نموده و به پاس تلاش‌های بی‌چشم‌داشت، این کتاب را به محضرشان تقدیم نماییم.

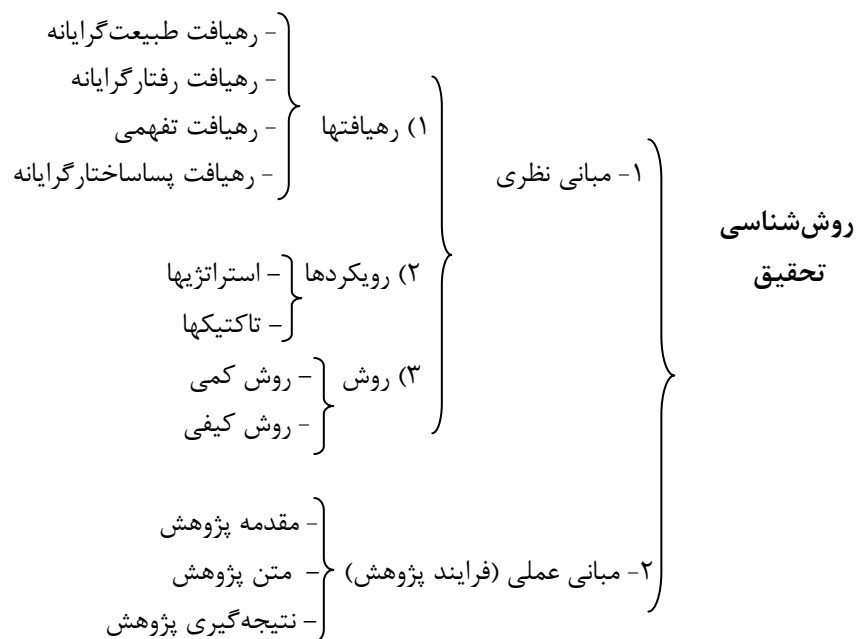
مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان

معاونت آموزش

مقدمه مولف

این کتاب شامل دو قسمت است: ۱- آشنایی با رهیافتها، رویکردها، روش شناسی و ۲- آشنایی با فرایند پژوهش. از آنجاییکه بیشتر سوالات مطرح شده، در آزمون ورودی کارشناسی ارشد بیشتر معطوف به قسمت اول می باشد، لذا توضیحات این اثر بیشتر معطوف به همین قسمت است. البته در زمینه قسمت دوم نیز توضیحات کافی ارایه شده است. در اینجا به برخی اصطلاحات مهم به کار رفته در این کتاب که دانشجویان محترم پیش از مطالعه کتاب باید با آنها آشنایی کامل داشته باشند در زیر اشاره شده است:

تحقیق و روش شناسی دارای مبانی نظری و مبانی عملی است. مطابق طرح زیر:



مقدمه پژوهش و طرح اولیه هر تحقیق شامل:

۱- طرح و موضوع پژوهش

۲- طرح عنوان

۳- طرح مساله

(۱) توصیفی (اکتشافی) ← تبیین وضع موجود

(۲) هنجاری (قیاسی) ← پیش بینی

۴- فرضیه:

(۱) فرضیه اصلی ← (در روش کمی فرضیه ها باید عملیاتی شود لذا می بایست از اندازه گیری و نمونه گیری استفاده نمود).

۲) فرضیه فرعی ← (در روش کمی فرضیه‌ها باید عملیاتی شود لذا می‌بایست از اندازه‌گیری و نمونه‌گیری استفاده نمود).

۳) فرضیه رقیب

۵- طرح سوال

۶- متغیرها:

۱- متغیر پیشافهمی

۲- متغیر مستقل

۳- متغیر کنترل

۴- متغیر وابسته

۷- روش:

۱-۷- روش کمی:

(۱) آمار

(۲) نمونه‌گیری

(۳) رسم نمودارها

۲-۷- روش کیفی:

(۱) روش تفسیری (وبر)

(۲) روش هرمنوتیکی (شلاپر ماکر)

(۳) روش هرمنوتیکی (ریکو)

(۴) روش هرمنوتیکی (هایدگر)

(۵) روش هرمنوتیکی (گادامر)

(۶) روش گفتمانی (فوکو)

(۷) روش گفتمانی (فرکلاف)

در این کتاب سعی شده است که در روش تحقیق مبانی نظری و مبانی عملی توأمان در نظر گرفته شود، تا نواقصی که در کتاب‌های روش تحقیق دیگر موجود است و هر کدام از این آثار یا به شرح مبانی نظری و یا به شرح مبانی عملی پرداخته‌اند، تا حدی این یکسویه‌نگری جبران شود.

همه طرح‌های تحقیق باید دارای اطلاعات زیر باشند:

عنوان: عنوان باید کوتاه و به اندازه کافی واضح باشد.

پیشینه: این بخش باید در بردارنده منطق تحقیق باشد و به این علت است که این چرایی پروژه تحقیقاتی را برگزیده‌اید و چه نیازی به این تحقیق هست؟ اگر تحقیقی مشابه این تحقیق است، این تحقیق جدید چگونه بر مبنای تحقیق قبلی انجام شده است.

اهداف کلی و اهداف جزئی: بسیاری از چارچوب‌های موجود طرح پیشنهادی تحقیق تنها ذکر یک یا دو هدف کلی را لازم می‌دانند و برشمردن اهداف جزئی را الزامی نمی‌دانند. اما در مورد برخی پژوهش‌ها لازم است این اهداف کلی تجزیه شوند تا اهداف جزئی را نیز در بر بگیرند. هدف کلی، نیروی بیش برنده تحقیق است و اهداف جزئی نیز ابزارهایی هستند که می‌خواهید با آنها به هدف کلی برسید.

اهداف کلی: شامل شناسایی، توصیف و آرایه تجزیه و تحلیلی از عوامل موثر بر یکدیگر که بر روش‌های یادگیری بزرگسالان بازگشته به درس اثر می‌گذارند.

اهداف جزئی: در پی روشن ساختن موارد زیر است:

۱- ماهیت، دامنه و اثر مولفه‌های روان‌شناختی مانند میل به دستیابی به اهداف شخصی یا تأمین نیازهای فردی برای انتخاب نوع روشها.

۲- ماهیت، دامنه و اثر مولفه‌های اجتماعی (شامل پیشینه، توقعات شخصی و اجتماعی، تجربه‌های آموزشی گذشته و نقش اجتماعی) بر انتخاب نوع روشها.

۳- ماهیت و تاثیر برداشت‌های فردی از دوره‌ها، موسسه‌ها و موضوعات و چگونگی ارتباط این عوامل با برداشتی که هر فرد از شخصیت خود دارد.

۴- تاثیر متغیرهایی از قبیل سن، جنس، قومیت و طبقه اجتماعی بر انتخاب نوع روشها.

۵- نقش و تاثیر احتمالی دیگر عوامل موثر، از قبیل مشاوران و راهنمایان، همکاران و بستگان و کارفرمایان بر انتخاب نوع روشها.

۶- ماهیت و دامنه عوامل احتمالا موثر بر انتخاب شرایط حاکم و نیز ارزیابی و آگهی‌های بازرگانی سازمانی.

۷- ماهیت و دامنه متغیرهای احتمالا اثرگذار بر انتخاب روش مطالعه، شیوه‌های تدریس و نوع دوره.

۸- در نظر گرفتن شرایط زمانی.

امید است این کتاب به شما دانشجویان عزیز کمک کند تا با داشته‌هایی منسجم‌تر به سوی هدف خود - که قبولی در آزمون کارشناسی ارشد است - گام بردارید. هرچند مولف در این کتاب تمام تلاش خود را کرده است تا از نظر علمی اشکالی در این اثر وجود نداشته باشد اما نظریات خود را در خصوص کتاب با موسسه ماهان یا با مولف در میان بگذارید:

bteymourid@yahoo.com

در اینجا بر خود لازم می‌دانم که از آقای دکتر سیاری مدیریت موسسه آموزش عالی آزاد ماهان، خانم شیرخدایی و خانم رضوانی که برای چاپ این کتاب بسیار زحمت کشیده‌اند، تشکر کنم.

صفحه	عنوان
۹	فصل اول: رهیافت‌های تحقیق در علوم سیاسی
۱۱	بررسی انواع رهیافت‌های اصلی
۱۶	بررسی انواع روش تحقیق کیفی
۲۲	سوالات تالیفی فصل اول
۳۱	پاسخنامه سوالات تالیفی فصل اول
۳۳	فصل دوم: کاربرد روش تحقیق
۳۵	توضیح اصطلاحات
۳۶	طراحی فرایند پژوهش
۳۹	جمع آوری اطلاعات از کتابخانه
۴۱	عملیاتی نمودن پژوهش (روش کمی)
۴۳	شیوه‌های آماده نمودن متغیرها برای اندازه‌گیری
۴۷	انواع متغیرها
۶۴	نشانه‌گذاری علایم تحقیق
۶۷	بررسی اجزاء تحقیق
۶۸	بررسی روش کمی در تحقیق
۶۹	سوالات تالیفی فصل دوم
۷۳	پاسخنامه سوالات تالیفی فصل دوم
۷۵	فصل سوم: انواع روش تحقیق
۷۷	تفاوت روش‌شناسی، رهیافت، رویکرد و روش تحقیق
۷۸	روش تحقیق کیفی
۸۰	انواع تحقیق میدانی
۸۱	انواع مطالعات توصیفی
۸۱	روش آزمایشی
۸۱	تحقیق زمینه‌یاب (نظری تاسیسی)
۸۵	سوالات تالیفی فصل سوم
۹۳	پاسخنامه سوالات تالیفی فصل سوم
۹۵	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها
۹۶	نمودار طرح پژوهش
۹۷	رویکردهایی نسبت به تجزیه و تحلیل داده‌ها
۹۷	تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی
۹۸	تجزیه و تحلیل داده‌های کمی
۹۸	بررسی روش تحلیل محتوا
۹۹	انواع تجزیه و تحلیل
۱۰۱	سوالات تالیفی فصل چهارم
۱۰۳	پاسخنامه سوالات تالیفی فصل چهارم

۱۰۵	فصل پنجم: مجموعه سوالات تألیفی
۱۷۲	پاسخنامه سوالات تألیفی
۱۷۹	سوالات کنکور
۱۸۰	سوالات چهار گزینه‌ای سراسری ۸۹
۱۸۴	پاسخنامه سوالات چهار گزینه‌ای سراسری ۸۹
۱۸۶	سوالات چهار گزینه‌ای سراسری ۹۰
۱۸۸	پاسخنامه سوالات چهار گزینه‌ای سراسری ۹۰
۱۸۹	سوالات چهار گزینه‌ای سراسری ۹۱
۱۹۱	پاسخنامه سوالات چهار گزینه‌ای سراسری ۹۱
۱۹۳	سوالات چهار گزینه‌ای سراسری ۹۲
۱۹۵	پاسخنامه سوالات چهار گزینه‌ای سراسری ۹۲

فصل اول

رهیافت‌های تحقیق در علوم سیاسی

عناوین اصلی

❖ بررسی انواع رویافت‌های اصلی در علوم سیاسی

❖ بررسی انواع روش تحقیق کیفی

فصل اول

رهیافت‌های تحقیق در علوم سیاسی

بررسی انواع رویافت‌های اصلی در علوم سیاسی

بخش رویافت عمده در علوم سیاسی است که عبارت است از : (۱) رویافت هنجاری (۲) رویافت نهادی و تحلیل رفتاری (۳) تحلیل گفتمان (۴) رویافت پساساختارگرایی (۵) رویافت فمینیستی.

(۱) رویافت هنجاری

این رویافت دارای سابقه طولانی در فلسفه سیاسی است و می‌توان آغازگاه، این رویافت را از زمان افلاطون تاکنون دانست. از خصوصیات این رویافت آن است که در این رویافت از هسته‌ها و وضع موجود شروع می‌شود و به بایدها می‌رسد، ارسطو نیز رساله سیاست و اخلاق نیکوماخس خود را بر مبنای رویافت هنجاری نگاشته است. از دیگر خصوصیات رویافت هنجاری تاکید آن بر همسوئی بر طبیعت است و نه غلبه بر آن، در عصر مدرن. رویافتی که مکتب فرانکفورت از آن استفاده نموده است، یک رویافت هنجاری است و به این دلیل مکتب فرانکفورت را انتقاد می‌نمایند، زیرا عقلانیت مدرن را عقلانیتی در نظر می‌گیرند که هدف آن غلبه بر طبیعت است و نه همسوئی با آن، لذا تاکید مکتب فرانکفورت استفاده از عقلانیت ارتباطی است به جای عقلانیت ابزاری در رویافت هنجاری نوعی در هم تنیدگی عقل و تجربه به چشم می‌خورد، بنابراین این رویافت نه عقل‌گرایی محض است و نه تجربه‌گرایی محض. این رویافت مختص اندیشه سیاسی است و به دنبال یافتن وضع مطلوب، مطابق واقعیت است.

(۲) رویافت نهادی و تحلیل رفتاری

موضوع این رویافت مطالعه نهادها و ساختارها و علم سیاست است، این رویافت، رویافتی مدرن است، در رویافت نهادی می‌توان شروع آن را با تفکرات امیل دورکیم و آگوست کنت دانست؛ از نظر دورکیم، جمع بر فرد اولویت دارد و نهاد بر فرد اولویت دارد. متفکران دیگری که از رویافت نهادی در تحلیل‌های خود استفاده نمودند عبارتند از: دورکیم، پارسونز، مرتن، عده دیگر از جامعه‌شناسان و اندیشمندان سیاسی، مطالعه نهادها را در چارچوب ساختارها مطرح می‌نمایند، از این گروه می‌توان از «لوی اشتراوس» نام برد که به رابطه اسم شی و مفهوم آن می‌پردازد، سایر این متفکرانی که مطالعه نهادها را در چارچوب‌های زبانی بررسی می‌کند عبارت است از: سوسور، آلتوسر، لوی اشتراوس.

رویافت تحلیل رفتاری را می‌توان به گرایش‌های اثبات‌گرایانه در سیاست نسبت داد، اثبات‌گرایان منطقی در دهه ۱۹۲۰ میلادی درباره نظرات گروهی از ریاضی‌دانان وابسته به حلقه وین به کار برده شد. بعدها مطالعات حلقه وین وارد علوم اجتماعی و سیاسی گردید و به مطالعه رفتارگرایی منجر شد. فیلسوفانی مانند «موریس شلیک»، «رودلف کارنپ»، «فینگل»، «فیلپ فرانک»، «آلفرد آیس» و «وینگنشتاین» که تراکتاتوس را نوشت، جزء رفتارگراها هستند. از خصوصیات اصلی پوزیتیویست‌های منطقی و رفتارگرایان اولیه آن است که امور را بر طبق مشاهده و تجربه در نظر می‌گیرند و تجربیات را امری عام و جهانشمول در نظر می‌گیرند که می‌بایست تعمیم داده شود. رفتارگرایان فرد را به صورت مستقل در نظر می‌گیرند و اولویت را به فرد - نسبت به جمع - می‌دهند، از

نظر رفتارگرایان فرد نسبت به جمع اولویت دارد؛ رفتارگرایان در تحلیل‌های خود از طریق تاثیرات داروین، تکامل فردی را در نظر می‌گیرند. از رفتارگرایان اولیه می‌توان متفکران لیبرال نظیر هربرت اسپنسر، اسکینر (بی.اف. اسکینر) را می‌توان نام برد. تلاش رفتارگرایی در علوم سیاسی، آن است که نه تنها به کشف قواعد رفتاری می‌پردازد بلکه باید به کشف الگوهای رفتاری مشابه و روندهای تکرارپذیری بیانجامد و در رویکردهای نهادگرا، حقوقی و فلسفی در سیاست، بر حسب مورد، تغییر ایجاد کند. ایراد رفتارگرایی به گرایش‌های دیگر این بود که چرا دیگر مکاتب به تصویر انتزاعی از انسان بسنده می‌کند، دیوید ایستون در مقاله‌ای ویژگی‌های رفتارگرایی را عبارت می‌داند از:

- (۱) قاعده‌مندیها، در رفتارگرایی به دنبال مشکل‌ها در رفتار سیاسی است.
 - (۲) تحقیق‌پذیری، در رفتارگرایی نظریه‌ها با ارجاع به مشاهدات و تجربه سنجیده می‌شود.
 - (۳) تکنیک‌ها، منظور استفاده از فنون گردآوری و تفسیر داده‌هاست.
 - (۴) کمیت‌سازی، رفتارگرایی به دنبال تثبیت بیان یافته‌های تحقیق است.
 - (۵) ارزشها، منظور تبیین تجربی است.
 - (۶) نظام‌مندی، به این معنا که در رفتارگرایی پژوهش باید نظام‌مند نباشد، یعنی نظریه و پژوهش باید نزدیکی داشته باشد.
 - (۷) علوم خاص، دانش بر اساس حل مسائل فوری به کار می‌رود.
- رفتارگرایان، رفتارهای قابل مشاهده انسانها را به طور عینی بررسی می‌کنند. آنها می‌خواهند به این پرسش پاسخ دهند که «چرا انسانها به اینگونه رفتار می‌کنند؟»
- از پیامدهای رهیافت رفتارگرایی در سیاست آن است که این رهیافت یک روش شناسی علمی خاص در علوم سیاسی به وجود آورده زیرا تا قبل از آن، علوم سیاسی، ریزه‌خوار فلسفه، حقوق، تاریخ بود. (معینی، ۳: ۱۳۸۵). رفتارگرایان در تبیین پدیده‌های سیاسی به قوانین علی و آماری استناد می‌کردند.
- افرادی مانند «هارولد لاسول» و «دیوید ترومن» و «رابرت دال» در پیشبرد رهیافت رفتارگرایی نقش داشتند. (معینی، ۳۴: ۱۳۸۵). دانته کرینو، بیان می‌کند که روح مدرنیستی در رفتارگرایی موج می‌زند، رهیافت رفتارگرایی کاملاً غیرانتقادی است و پست مدرنیستها انتقادات جدی به رفتارگرایی وارد کرده‌اند و نظریه سیاسی جدید تحول در رفتارگرایی و رسیدن به «فراررفتارگرایی» است.

از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد، نظریه انتخاب عقلایی نقش بسیار مهمی در علوم سیاسی پیدا کرده است. آنتونی داونز، پیشگام در کاربرد نظریه انتخاب عقلایی در رفتار انتخابات و رقابت حزبی بود. براساس مطالعه او، همین به نظر می‌رسد که آراء فردی برای حزب اگر به قدرت دست می‌یافت و دارای بالاترین فایده است. انگیزه احزاب صرفاً رسیدن به قدرت است و بدین علت با تغییر در خط مش‌های سیاسی خود برای بدست آوردن رای به رقابت می‌پردازند.

آثار اولیه در نظریه انتخاب عقلانی عمدتاً متعلق به اقتصاددانان بوده است که از روش‌های مشابه مانند اقتصاد خرد استاندارد استفاده می‌نماید. مهمترین ابزار آنان همان نظریه بازی‌هاست. نظریه بازیها با انتخاب عقلایی سروکار دارد و این در جایی است که وابستگی متقابل استراتژیک وجود داشته باشد. این بدان معناست که انتخاب استراتژی توسط دیگران بر بهترین انتخاب یک فرد تاثیر می‌گذارد و بالعکس.

نظریه بازیها موجب پیشرفت مهمی در نظریه کنش دسته جمعی شده است. این نظریه ما را قادر می‌سازد تا توضیح دهیم چرا اگر تعداد افراد تصمیم گیرنده محدود باشد می‌توان از عدم موفقیت در کنش دسته جمعی جلوگیری کرد. از نظریه بازیها برای مدل سازی بازدارندگی هسته‌ای، رقابت‌های تسلیحاتی، خلع سلاح و دیگر پدیده‌ای مهم در روابط بین الملل به کار می‌رود.

افراد را به عنوان اتم‌های اجتماعی منزوی شده (منابع مستقل علیت در فرآیند اجتماعی) در نظر می‌گیرد. در نظریه انتخاب عقلایی بر عقلانیت ابزاری ملاک است. (استوکر، ۱۵۶: ۱۳۸۴)

بررسی رهیافت طبیعت‌گرایی

در این رهیافت فهم واژه «طبیعت» بسیار مهم است. زیرا این واژه در دوره یونان کلاسیک از زمان ارسطو به معنای «فوسیس Phocis» معنا شده است و فوسیس وجه معنوی دارد به معنای شکوفا شدن می‌باشد و شکفتن هم معنا می‌دهد. اما در دوره قرون



وسطی در قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی طبیعت به معنای «فوسیس» آن مطرح نیست، بلکه منظور از طبیعت کلمه "Nature" است که به معنای زاد و ولد است و وجه کاملاً مادی دارد و در عصر مدرن منظور از طبیعت "Nature" است و نه فوسیس، ذیل این رهیافت، رهیافت طبیعت‌گرایی نیز قرار دارد. رهیافت طبیعت‌گرایی با رفتارگرایی مرتبط است، زیرا در رفتارگرایی به مفهوم طبیعت به معنای زاد و ولد توجه شده، وجه مادی در نظر گرفته می‌شود و الزام در شرطی شدن امور در رفتارگرایی به دلیل دید مادی رفتارگراها به پدیده‌هاست.

این رهیافت (رفتارگرایی) در دهه ۱۹۵۰ میلادی در امریکا رواج یافت. برای اولین بار واتسون از واژه رفتارگرایی Behaviorism استفاده نمود، رفتارگرایان این موضوع را که طبق آن هر عملی معطوف به غایت است را رد می‌کنند و نظریه علی علوم طبیعی را که قدرت در آن مطرح است و وجه مادی آن بارز است را جایگزین آن می‌سازند. رفتارگراها منشأ رفتار را درونی نمی‌دانند و عامل بیرونی در شکل‌گیری رفتار آدمی دخالت می‌دهند. در رفتارگرایی دو نحله عمده وجود دارد که عبارت است از: (۱) نحله که بر محرک به عنوان عامل یا علت رفتار آدمی تأکید دارد که روانشناسی تجربی مبتنی بر این رویکرد و نحله است، (۲) که ب. اف. اسکینر مطرح نموده است که یک دید ماشین گونه نسبت به طبیعت انسان می‌باشد و عامل محیط نقش اساسی را ایفا می‌نماید (به نقل از منوچهری). ب. اف. اسکینر درصدد است که رفتارها را نظامند نماید، از نظر وی برای رسیدن به این نظام‌مندی باید گزاره کلی برای مشاهده بررسی رهیافت طبیعت‌گرایی شرایط درونی و همچنین گزاره کلی برای مشاهده شرایط محیطی ارایه شود. رفتارگرایان در تحلیل خود از سه سطح تحلیل استفاده می‌نمایند که عبارتند از: (۱) سطح تحلیل فردی (۲) سطح تحلیل جمعی (۳) سطح تحلیل بین المللی. اصول اصلی این رهیافت عبارت است از عقل‌گرایی، کل‌گرایی، تطبیق با واقعیت، همگرایی، تبیین رابطه بین متغیرها، استنتاجات منطق قیاسی آزمایشی، پیش بینی، اثبات گزاره‌های تجربی. (به نقل از منوچهری)

روشی که در رهیافت رفتارگرایی استفاده می‌شود، روش کمی است. در این روش از ریاضیات برای سنجش داده‌ها و رابطه بین آنها استفاده می‌شود. از جمله الگوهایی که در رهیافت رفتارگرایی مطرح است، الگوی رفتارگرایی نیت مند است که نظریه انتخابی عقلانی بر این مبنا قرار دارد. این الگو در صدد است که از طریق ارایه الگوی عقلانیت استراتژیک رفتار فردی را به جمعی تبدیل کند. لازم به ذکر است که بنیانگذار جامعه شناسی «آگوست کنت» نیز از رهیافت رفتارگرایی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی استفاده نموده است، این رهیافت که از تجربه‌گرایی نیز تأثیر گرفته است، روش مطالعه علوم انسانی را مانند روش مطالعه طبیعت به معنای Nature و مادی آن در نظر می‌گیرد و تبیین‌ها یعنی بررسی روابط علت و معلولی در این رهیافت مطابق تجربه و مشاهده صورت می‌گیرد.

بررسی رهیافت تفهیمی

در مقابل رهیافت طبیعت‌گرا در علوم سیاسی رهیافت تفهیمی قرار دارد. براساس این رهیافت هدف پژوهش در علوم انسانی فهم پدیده‌های معنادار است و به بیان معانی می‌پردازد، در حالیکه رهیافت طبیعت‌گرا به بیان علتها و روابط ضروری می‌پردازد. در رهیافت تفهیمی، روش کیفی قرار دارد که یکی از انواع روش کیفی تفسیرگرایی است. سه نحله در رهیافت تاویلی وجود دارد که عبارت است از تفهیمی، پدیدارشناسانه و انتقادی. در رهیافت تفهیمی، هدف از تحقیق اجتماعی بازسازی معنا و محتوای اعمال است. (منوچهری، ۱۳۸۷: ۵۳)

خصوصیات اصلی رهیافت تفهیمی وجود روش هرمنوتیکی است که جزء روش‌های تفسیر است، منتهی قبل از توضیح این روش، می‌بایست تفاوت بین دو واژه تفسیر و تاویل روشن شود. منظور از واژه تاویل به معنای کشف حقیقت است و تاویل به معنای به اول رسیدن است. اما منظور از تفسیر یافتن واقعیت است، بنابراین تفاسیر متفاوت است، اما تاویل یکی است.

۳) رهیافت تحلیل گفتمان

نظریه گفتمان از علوم تفسیری مانند هرمنوتیک، پدیده شناسی، ساختارگرایی و شالوده شکنی الهام می‌گیرد. مبدع نظریه گفتمان از میشل فوکو است، وی در اثر دانش، قدرت و نظم گفتار به تحلیل گفتمان می‌پردازد. نظریه تحلیل گفتمان از نظریه پارادایم توماس کوهن نیز ایده می‌گیرد. نگرش کوهن به تاریخ، «پارادایمی» است، منظور از پارادایم عبارت است از موقعیتی که در آن موقعیت موضوعی مهم می‌شود، که آن موضوع، مربوط به اکنون است و به گذشته و آینده ربطی ندارد و «پارادایم» به معنای سرمشقی است که هم‌اکنون مطرح است. نگرش پارادایمی به تاریخ کوهن در نگرش میشل فوکو نیز تأثیر داشته است. به این معنا

که تاریخ را به صورت «پیوسته» در نظر نمی‌گرفتند، بلکه تاریخ را به صورت گسسته در نظر می‌گیرد و در هر دوره از نظر فوکو گفتمان خاصی غالب می‌شود.

از ویژگی‌های رویکرد تحلیل گفتمانی آن است که در رویکرد تحلیل گفتمان هیچ مرکزیتی در نظر گرفته نمی‌شود و گفتمانها به صورت سیال و بی‌مبنا مطرح می‌شود. نگرش تحلیل گفتمان جزء روش‌های تفسیری است و فوکو در «دانش و قدرت» از صورت بندی‌های گفتمانی نام می‌برد. این صورت بندیها به مجموعه‌های عادی ایده‌ها و مفاهیمی که مدعی تولید دانش در مورد جهان هستند، اشاره دارند. فوکو در تبیین تاریخی گفتمان‌های علمی تلاش می‌کند تا نظم گفتمان زیرین آنها را مشخص ساخته و تولید و تحول آنها را با فرایندهای وسیعتر سیاسی و اجتماعی که جزئی از آنها هستند، مرتبط می‌سازد.

از جمله اندیشمندان دیگر که به تحلیل گفتمان پرداختند عبارت است از: «ارنستو لاکلاو و شانتال موفه تمرکز می‌یابد. از نظر شنتال موفه گفتمان، جانشین ایدئولوژی می‌شود و برای فهم اشیاء می‌بایست به عنوان جزئی از یک چارچوب گسترده‌تر معانی وجود داشته باشد، از نظر لاکلاو و موفه، هویتها در رابطه شکل می‌گیرند و معانی اجتماعی کلمات، کلمه‌ها، کنش‌ها و نهادها همگی در ارتباط با زمینه کلی که جزئی از آن هستند، درک می‌شود و هر رفتار در ارتباط با یک گفتمان خاص مطرح می‌شود و در صورتی می‌توانیم یک فرایند را درک کنیم، توضیح دهیم و ارزیابی نمائیم که قادر به فهم رفتار و گفتمانی که در درون آن، این فرایند اتفاق می‌افتد، باشیم. برای مثال کشیدن یک خط روی یک برگه کاغذ و قرار دادن آن در یک صندوق تنها در درون نظامی متشکل از قواعد، رویه‌ها و نهادهایی که ما آن را لیبرال دموکراسی می‌نامیم، معنا می‌یابد و اهمیت رای دادن تنها در ارتباط با دیگر رفتارها و موضوعاتی که جزئی از آنها قابل فهم می‌شود. (استوکر، ۲۰۲: ۱۳۸۴)

منظور لاکلاو و موفه از فصل بندی ساخته شدن گفتمانها است و به معنای گردآوری اجزاء مختلف و ترکیب آنها در یک هویت جدید است. (استوکر، ۲۰۲: ۱۳۸۴)

لاکلاو و موفه از نظریات سوسور ایده می‌گیرند، از نظر سوسور زبان عبارت است از سیستم تفاوت‌های رسمی که هویت کلمات درون آن کاملاً رابطه می‌باشد. سوسور واحدهای زبانی را نشانه‌ها می‌نامد که به دو نقش دال یا دلالت کننده و مدلول تقسیم می‌نماید. از نظر سوسور کلمه پدر یک رابطه طبیعی یا ذاتی نیست. کلمات تعلق خاصی به مفاهیمی که مدلولشان است، ندارند و همچنین دارای هیچگونه اشتراکی با آن چیزهایی که در جهان واقعی نشان می‌دهند، نیستند. سوسور از دلخواهی بودن نشانه‌ها می‌گوید و بیان می‌کند که کلمه پدر بدین علت معنای خاص خودش را به خود می‌گیرد که با کلماتی چون «مادر»، «پسر»، «دختر» و غیره متفاوت است. این مفهوم از زبان در مقابل نظریه ارجاعی زبان است. (استوکر، ۲۰۳: ۱۳۸۴)

از ویژگی‌های رویافت گفتمانی عبارت است از در نظر نگرفتن روایت‌های بزرگ و فراروایتها به قول لیوتار، بنیادستیزی که رورتی فیلسوف لیبرال به این مساله می‌پردازد و این مسائل را در کتاب خود به فلسفه و آئینه طبیعت بیان می‌کند. سومین مبحث عمده فرامدرنیسم مربوط به جوهرستیزی است که در این مورد ژاک دریدا مباحثی را پیرامون شالوده شکنی مطرح می‌کند. (استوکر، ۱۹۹: ۱۳۸۴)

جان کاپوتو نظریات دریدا را به نام «مبنائگرایی فراساختارگرایانه» معرفی می‌نماید و معتقد است که «دریدا» با دست زدن به این اقدام، فراسوی مبنائگرایی و ضدمبنائگرایی قرار گرفته است. از دیدگاه دریدا، مفاهیمی مانند عدالت، برادری، دموکراسی و مسئولیت غیرقابل‌واسازی‌اند. (معینی، ۱۴۲: ۱۳۸۵)

لازم به ذکر است که «جان کاپوتو» از شارحان برجسته دریدا است. به طور کلی، در اندیشه تحلیل گفتمان و پست مدرن با تاکید کردن بر اصول محوری جلوگیری از طرد دیگری و احساس مسئولیت نسبت به دیگری در جهت گسترش افق‌های برابری طلبی در جهان معاصر حرکت کرده است. افکار سیاسی پست مدرنیستی با ایده «رهایی» سازگاری دارد. (معینی، ۱۵۱: ۱۳۸۵)

۴) رویافت پسا مدرنیسم (پساساختارگرا)

نکته قابل تامل آن است که در این روش بر خلاف روش‌های عقل‌گرا که مبتنی بر روش‌های آماری و ریاضی، قابل اندازه‌گیری است، این روش عقل‌گرایی را به زیر سوال می‌برد. لذا در تحلیل‌های خود بسیار جزئی است. لازم به ذکر است که پسامدرنیسم به معنی نفی ایده پیشرفت می‌باشد که در مدرنیته مطرح بوده است.

از نظر اجتماعی پست مدرنیسم محصول جامعه فراصنعتی است. جیسون پست مدرنیسم را منطق فرهنگی سرمایه‌داری متاخر نامیده است. مارتو توبر پست مدرنیسم را نوعی اخلاقیات جدید گفت و شنودی و تلاشی برای دست یابی به اشکال جدید مفاهمه



سیاسی معرفی می‌کند. (معینی علمداری، ۱۳۱: ۱۳۸۵)، «کوپر» گفتمان سیاسی پست مدرنیسم را زاینده نیاز به تحول فکری سیاسی با توجه به تحولات اخلاقی - اجتماعی جامعه فراصنعتی معاصر می‌داند و بیان می‌کند که پست مدرنیسم بهتر می‌تواند بر نیازهای جوامع موجود پاسخگو باشد. بعضی از متفکران پست مدرنیسم را انتقادی می‌دانند. از نظر «ریچارد برنشتاین» پست مدرنیسم یکی از لحظه‌های مهم تاریخ اندیشه است.

«گینیز» و «ریمی» پست مدرنیسم را به دو گروه اصلی خوش بین و بدبین تقسیم کرده‌اند. گروه بدبینی شکاک هستند که از نظر سیاسی و اجتماعی به کناره جویی از قدرت اعتقاد دارند، در حالیکه خوش بین‌ها به مشارکت سیاسی، علاقه بیشتری دارند و مخالف هیچ انگاری سیاسی‌اند. (معینی، ۱۳۲: ۱۳۸۵)، پست مدرنیسم اندیشه ضدمرکزگرا و ضد مبنایست. پست مدرنیسم از مفهوم «فراسیاسی» سخن می‌گویند و پست مدرنیستها با مخدوش کردن مرزبندی موجود بین امر سیاسی و امر غیرسیاسی نگرش‌های سیاست رده‌ای را که همه چیز رابه مناسبات قدرت و تحولات درون حکومت محدود می‌کنند، به چالش طلبیده است. پست مدرنیسم با سلطه‌ای سیاسی مخالف بوده و سبک اندیشه آن «فلسفه سیاسی فراسیاسی» است. (معینی، ۱۵۱: ۱۳۸۵)

ظهور فمینیسم رادیکال (طرفداری از حقوق زنان) و نهضت آزادسازی زنان در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی و اوایل دهه ۱۹۷۰ و تاثیر عمده‌ای بر نحوه تعریف دانشمندان علوم سیاسی از سیاست گذشت در فمینیسم موضوعاتی که در مرکز مساله قدرت مذکر بر زنانی قرار داشت و قبلا به عنوان موضوعاتی «غیرسیاسی» و در نتیجه «غیرموضوعات» در فرهنگ مسلط در نظر گرفته می‌شدند، موضوعاتی مانند تجاوز جنسی و دیگر انواع خشونت نسبت به زنان تعریفی دوباره یافته و به طور صریح در رأس مسائل سیاسی قرار گرفته‌اند.

۵) رهیافت فمینیستی

در این رهیافت موضوعیت اصلی آن است که زنان هیچ گاه نقش اول را در سیاست به عهده نداشته‌اند و سیاست کاملا مردانه بوده است. انواع رهیافت فمینیستی عبارت است از: ۱) فمینیست‌های لیبرال ۲) فمینیست‌های مارکسیست و سوسیالیست ۳) فمینیست‌های رادیکال ۴) فمینیست‌های پست مدرن

۱- فمینیست لیبرال

فمینیست لیبرال قایل به برابری حقوق زن و مرد است. مهمترین هدف فمینیسم لیبرال جذب کامل اجتماعی و سیاسی زنان در نهادها و ساختارهای موجود است که برای رسیدن به این هدف از طریق اعمال نفوذ و فشارها بر نهادهای دولتی و موسسات خصوصی از طریق پیگیری حقوقی و قضایی و برگزاری تظاهرات، گردهمایی، کنفرانس اقدام می‌نمایند، سطح تحلیل فمینیست‌های لیبرال فرد است. و از چهره‌های معروف فمینیسم لیبرال می‌توان از مارولستن کرافت نویسنده کتاب «استیفای حقوق زنان» و هاریت تیلور و همسرش جان استوارت میل نویسنده کتاب «کنیز کردن زنان» و بتی فریدان نویسنده کتاب «رمز و راز زنانگی» نام برد.

۲- فمینیست‌های مارکسیست و سوسیالیست

بر خلاف فمینیست‌های رادیکال که سطح تحلیل را فردی در نظر می‌گرفتند، این فمینیست‌ها سطح تحلیل را جمع در نظر می‌گیرند. از نظر آنان خانواده به عنوان کوچکترین واحد اقتصادی جامعه باید حذف شود و ایجاد موسسات اشتراکی را تجویز می‌نماید. از نظر آنان کارهای خانه را باید مردان و زنان توأمان انجام دهند. تاکید این فمینیست‌ها بیشتر بر شیوه تولید است. آنها بجای شیوه تولید سرمایه‌داری که مبتنی بر اقتصاد بازار آزاد است، شیوه تولید سوسیالیستی را پیشنهاد می‌نماید که مبتنی بر دخالت دولت در تولید می‌باشد. از چهره‌های معروف فمینیست مارکسیست عبارتند از: میشل بارت و رزا لوکزامبورک (گرجی، ۴۱۰، ۱۳۸۱) و فمینیست‌های سوسیالیست را می‌توان ترکیبی از فمینیسم رادیکال و مارکسیسم دانست. از چهره‌های فمینیسم سوسیالیست عبارتند از: هایدی هارتمن، جولیت میچل، آیزنشتاین، دورتی اسمیت.

۳- فمینیست رادیکال

فمینیسم رادیکال در اواخر دهه ۱۹۶۰ ظهور کرد و یک بینش کلی‌نگر درباره جهان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی و فرهنگی بوده است. این بینش معتقد به دوگانگی جنسیتی ظالمانه به عنوان عامل مشترکی که زیربنای این کل را تشکیل می‌دهد و چنین امیدواری انقلابی را ایجاد کرد که آزادی زنان می‌تواند آن را متحول سازد. فمینیست‌های رادیکال بسیار افراطی هستند.



۴- فمینیست پست مدرن

این فمینیست‌ها بسیار نسبی‌گرا هستند. قایل به هیچ مبنا و اصولی نیستند. تاکید این نوع فمینیسم بیشتر بر جنسیت یا "Gender" است. زیرا جنسیت را عاملی فرهنگی می‌دانند و قایل به این اندیشه هستند که جنسیت را فرهنگ تعیین می‌کند و این مفهوم با مفهوم جنس "Sex" متفاوت است. از نظر این فمینیست‌ها جنس وجه غیرفرهنگی دارد. از جمله فمینیست‌ها می‌توان از خانم جودیت باتلر نام برد که بسیار تحت تاثیر اندیشه‌های روانشناسانه ژان لکان می‌باشد.

از نظر فمینیست‌ها جنسیت مربوط به تقسیم بندی مذکر و مؤنث نیست. بلکه اولویت مذکر بر مؤنث است. در نتیجه ارزش‌هایی مانند نگهداری و پرورش بی‌ارزش می‌شوند، در حالیکه ارزش‌هایی چون رقابت و دستاورد علیرغم نابرابری که به نحوی اجتناب ناپذیر میان مردان و همچنین میان دو جنس ایجاد می‌کنند، دارای ارزش بسیار زیادی می‌گردند.

از منظر جنسیتی، حوزه «عمومی» محصول جنسیت مذکر بوده است. بسیاری از فمینیست‌ها با انکار سیاست موجود، به ساختن یک جهان جدید سیاست مبادرت ورزیده‌اند. این جهان جدید سیاست عبارتند از: شکلهای روابط سیاسی غیرسلسله مراتبی و بدون ساخت که منعکس‌کننده شبکه روابط خاص و مسئولیت‌های شخصی در نقش پرورش زنان است و پایه‌های یک دموکراسی جدید فمینیستی را شکل می‌دهد. (استوکر، ۱۷۰: ۱۳۸۴)

اندیشه فمینیست‌ها ضد جوهرگرایی و کلی‌گرایی است. از قوی‌ترین مباحث مربوط به فمینیسم مدرن مربوط به انتقاد آن از دوگانگی خدا و طبیعت است. بر این اساس فرهنگ (میوه‌های خُرد) ویژگی مردان بوده و زیربنا (که از ارزش آن کاسته شده)، یعنی طبیعت مادی ویژگی زنان است در واقع فمینیست‌های رادیکال (دوگانگی جنسیت)، مارکسیست فمینیست‌ها (دوگانگی طبقه)، فمینیست‌های سیاه (دوگانگی نژاد) و فمینیست‌های زیست محیطی (دوگانگی مرد در مقابل طبیعت) را مطرح می‌نمایند.

فمینیست‌های شمال اروپا مانند هلگا هرنس در کتابش تحت عنوان دولت رفاه و قدرت زنان معتقد به مشارکت زنان در ساختارهای متعارف می‌باشد. از نظر او دولت تحت برخی شرایط ابزار موثری برای دستیابی به اهداف فمینیست‌ها است از نظر این گروه دولت رفاه حافظ ارزش‌های بازار کار تحت سلطه مردان است، اما در سیاسی کردن زنان از طریق حمله به حوزه‌ای که به طور سنتی خصوصی بوده، بازتولید به شکل عمومی درمی‌آید و کشیدن زنان به درون حوزه عمومی از طریق استخدام آنان در نقش‌های سطح پایین اداری و مراقبتی نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. دستمزد پایین، عدم ترفیع مقام و عدم آگاهی از اینکه مردان به اتخاذ سیاست‌هایی می‌پردازند بر زندگی زنان تاثیر می‌گذارد و همین امر موجب عضویت زنان در اتحادیه‌های کارگری و مشارکت آنان می‌شود. داهلروپ نیز یکی از پیشروان فمینیستی است که برای توسعه و به کارگیری نظر به عدم تصمیم‌گیری در رشته تحلیل سیاسی مدرن از دیدگاه فمینیستی استفاده می‌نماید.

داهلروپ از استراتژی دخیل شدن در فرایند سیاسی بحث می‌نماید و از اصطلاح «بازی کردن» با دولت بحث می‌نماید. (استوکر، ۱۸۶: ۱۳۸۴) کِب و بالی در امریکا بر احتمالات افزایشی بسیج جانبداریها و استفاده از استراتژی‌های داخلی تمرکز می‌نمایند. اندیشه‌های فمینیست‌ها در مقابل رفتارگرایان قرار می‌گیرد.

جهت‌گیری روش شناختی فمینیست‌ها بیشتر نسبی‌گراست و تمایل به روش‌های کیفی دارند و نسبت به روش‌های کمی انتقاد دارند. (استوکر، ۳۲: ۱۳۸۴) فمینیست‌ها به دنبال زنانه کردن منازعه و گسترش دادن تعریف سیاسی هستند.

بررسی انواع روش تحقیق کیفی

(۱) روش تحقیق معنا محور (تحقیق کیفی): شامل: (۱) روش تحقیق هرمنوتیکی، (۲) روش تحلیل ساختارگر (۳) روش تحقیق تاریخی (۴) روش تحقیق توصیفی (کمی)، (۵) روش تحلیل محتوا، روش نیومن و...

۱- روش تحقیق هرمنوتیکی

دیدگاه هرمنوتیکی جزء روش‌های تفسیری است و از «تفهم» پدیده‌های سیاسی و اجتماعی سخن می‌گویند. هدف از تفهم به معنای چیزی است که سبب درک دیگری است، زیرا علاقه به شریک شدن در «حیات درونی» دیگران و محرک تاویل است و مراد فهم زندگی می‌باشد. رسالت اصلی هرمنوتیک، بهبود بخشیدن به «روش فهم دیگری» است. از نظر شلاپر، هرمنوتیک، ابزارهای بهتر فهمیدن را در اختیارمان قرار می‌دهد. (معینی، ۱۵۴: ۱۳۸۵)



هرمنوتیک نوعی شیوه تفسیر است و به جای جست و جوی قوانین کلی، به دنبال فهم رفتارها و تشریح عوامل ذهنی و فرهنگی مربوط به آن می‌باشند. رویکرد تفسیری به جای علیت، بر تاویل تاکید دارند. تفسیرگرایان، افعال و اعمال اجتماعی را ناشی از معانی یا تفاسیر عقلانی فهمیده‌ها می‌دانند.

نظریه‌های تفسیری به روی قلمرو معنایی زندگی و بیان‌های انسانی تاکید دارد. از نظر روش تفسیری ما فقط با رویدادها سرو کار نداریم، بلکه رویدادها وقتی برای ما رویداد می‌شود که معنایی را به آنها نسبت می‌دهیم.

هواداران رویکرد تفسیری، معمولاً تبیین‌گرایان را به نادیده گرفتن عوامل و تفاوت‌های فرهنگی متهم می‌کنند. به طور کلی، تفسیرگرایان، به مطالعه فرهنگ به عنوان مجموعه سازمان یافته از هنجارها و ارزش و قواعد، اهمیت می‌دهند. فرهنگ به شیوه خاص زندگی مردم پیوند دارد و فرهنگ را خود انسانها می‌سازند، به این دلیل فهم فرهنگ برای انسانها سهل است. (معینی، ۱۳۸۵: ۱۵۶) هرمنوتیک علم مطالعه فهم و به ویژه فهم متن است. هرمنوتیک «علم فهم متن است» به گونه‌ای که فهم اثر متناسب با مضمون آن باشد. تاویل‌گرایی بر خلاف تجربه‌گرایی، نقطه عزیمت خود را تفسیر و نه داده‌های تجربی قرار داده است.

منظور از حلقه هرمنوتیک (دور هرمنوتیک) به این معنا است که به هنگام فهم اجزای یک متن به یک دیگر وابستگی متقابل پیدا می‌کنند به طوری که وقتی کل یک متن به شکل متفاوتی فهمیده می‌شود، اجزای آن نیز هر کدام به نوبه خود به روش خاصی فهمیده می‌شوند. (معینی، ۱۳۸۵: ۱۵۸)

انواع هرمنوتیک

۱) **هرمنوتیک رمانتیک:** شلایر ماخر و دیلتای جزء کسانی هستند که از هرمنوتیک رمانتیک حمایت می‌کنند. شلایر ماخر مربوط کردن گفتمان و تفهم به یک دیگر را وظیفه علم هرمنوتیک می‌داند «شلایر ماخر» فرایند فهم را یک فرایند زبانی می‌دانست. او زبان را به عنوان پیش شرط اندیشه مطرح کرد و غیبت اندیشه را در زبان متجلی دانست. هرمنوتیک «شلایر ماخر» در سنت رمانتیک و فلسفه استعلایی را به هم می‌رساند و در چارچوب این ترکیب توانست ضمن تاکید بر اهمیت «فردیت»، مسأله «کلیت» را نیز برجسته کند. شلایر ماخر هم متن را بدون درک فردیت و خلاقیت مولف، غیرممکن می‌دانست. وی به پیوستگی کل و اجزای آن باور داشت (معینی، ۱۳۸۵: ۱۶۶). شلایر ماخر برای اولین بار هرمنوتیک را به کار برد. وی هدف از هرمنوتیک را شناخت متن تحلیلی دانست بنابراین وظیفه هرمنوتیک از نظر وی شناخت مولف است و برای این منظور وی از دو نوع تاویل نام می‌برد: ۱) تاویل دستوری، ۲) تاویل فنی. منظور وی از تاویل دستوری شناخت نقش دستوری جملات در متن است و منظور وی از تاویل فنی، فراتر رفتن از متن و بررسی عواملی است که متن را شکل داده است.

«ویلهلم دیلتای» دومین شخصیت مهم در سال‌های نخستین هرمنوتیک جدیدی از بنیانگذاران روش هرمنوتیک بود. دیلتای از چندگانگی‌ها و تناقضات زمانه‌اش تاثیر پذیرفته بود. وی دلبسته تفکر تاریخی‌گرانه «لئوپلدرانکه» و «هگل» بود و تحت تاثیرات اثبات‌گرایی نیز قرار داشت. دیلتای تعارضی بین تجربه‌گرایی و تفسیرگرایی نمی‌دید و به لزوم توجه به «تجربه زنده» از جهان و بعد اخلاقی زندگی، تاکید داشت. «دیلتای» نسبت به عقل‌گرایی بدبین بود و بهترین روش از دیدگاه وی، گسترش مطالعه تجربی به گونه‌ای که تجربه زندگی و ابعاد احساسی - رمانتیک را در برگیرد. دیلتای به پراکسیس روی آورد و کوشید علم را به زندگی آشتی دهد، که این ایده‌ها بعدها در اثر «گادامر» بسط پیدا کرد. دیلتای استفاده از روش‌های طبیعی، برای تبیین رفتارهای انسانی را رد نکرد و آن را در شناخت واقعیت‌های عینی و روان آدمی موثر می‌دانست. در نظر وی روش‌های علوم طبیعی تنها تا جایی برای مطالعه امور انسانی کاربرد دارند که برای شناخت واقعیت‌های زیستی و طبیعی مربوط به آدمی (مانند روان فرد) به کار گرفته می‌شود. دیلتای تحت تاثیر همگان نیز بوده است و از این قیمت بر اثبات‌گرایی غلبه کرد و شکاف موجود بین نظریه و زندگی را از میان می‌برد و دوم از تبدیل فلسفه به پیشکار و خادم، جلوگیری کند. تلاش دیلتای برای سازش دادن فلسفه و علوم طبیعی بر هرمنوتیک عینی‌گرای «هیرش» تاثیرگذار بود.

«دیلتای» روش‌های علوم اجتماعی را مستقل از علوم طبیعی می‌دانست و معتقد بود بیان واقعیتها و داورهای ارزشی ارتباط وجود دارد. (معینی، ۱۳۸۵: ۱۶۶)

رویکرد هرمنوتیک رمانتیک «تفهم» را به معنای «فهم عینیت‌های تجربه فردی» در نظر دارد. از این دیدگاه «هرمنوتیک» قوانین تفسیر و فهم این «فهم‌های عینیت یافته در تاریخ و زبان را توسعه می‌دهد. هرمنوتیک رمانتیک، مولفه‌های تجربی، تفسیری و



تاریخی را یکپارچه کرده است (معینی، ۱۶۷: ۱۳۸۵). ديلتای متاثر از کانت بود و به دنبال احیای نظر مولف بوده است.

۲) هرمنوتیک فلسفی: «گادامر» از جمله شارحین و نظریه پردازان هرمنوتیک فلسفی است. گادامر یک هرمنوتیک موقعیتی است. منظور از آن، توجه به شرایطی است که مفسر در آن قرار دارد و تاویل در چارچوب آن شکل می‌گیرد. تاویل گادامری به دنبال دستیابی به معنای متنی نیست، زیرا اعتقاد به امکان شناخت معنای متن ندارد. دغدغه وی آگاه کردن مفسر از شرایطی است که در آن به سر می‌برد. گادامر از این زیر عنوان و تاریخ موثر یاد می‌کند. تاریخ موثر شامل چند مقوله است. آگاهی فرد از افق و شرایط خود، برقراری ارتباط گفت و شنودی بین متن و مفسر و گشودگی فرد نسبت به سمتی که در آن قرار دارد، تاریخ موثر ترکیبی از یک «آگاهی هرمنوتیک» و «آگاهی تاریخی» است.

از دیدگاه گادامر، مفهوم «کنون»، بدون سنت معنا ندارد. سنت متعلق به یک دوره تاریخی خاص نیست، بلکه به طور دایم بازسازی می‌شود و واسطه گفت و گو است. در واقع سنت «شیوه تاریخی بودن سوژه» است و به طور ذاتی وجه زبانی دارد. سنت از نظر گادامر دارای خصوصیت فرونسیس ارسطویی است.

از نظر گادامر «سخن گفتن به حیطة من تعلق ندارد، بلکه جزء حیطة ما است. گادامر به جای مفهوم تجربه زنده شخصی ديلتای» از اصطلاح «تجربه هم کنش اجتماعی» استفاده می‌کند. گادامر زبان را واسطه انسان، برای ایجاد اشتراک میان انسانها می‌داند. هرمنوتیک به آشکار ساختن برتری یک سنت و مجاب کردن طرف دیگر نیست بلکه باید بتواند بین سنت‌ها ارتباط برقرار کند. از نظر گادامر افق‌ها گوناگون هستند و باید حفظ شوند. گادامر کثرت گرا است. (معینی، ۱۷۰: ۱۳۸۵)

۳) هرمنوتیک انتقادی: این نوع هرمنوتیک، فرایند نقد سیاسی - اجتماعی را از حوزه نقد ساختارها و عوامل خارج می‌کند و آن را به عرضه ارتباط‌گیری و عملکرد زبان طبیعی می‌برد. هرمنوتیک انتقادی به دنبال آن است که چگونه کژتابی‌های زبان خود را تصحیح کنیم. از نظر هرمنوتیک انتقادی، زبان و عمل سیاسی به طور متقابل، همدیگر را تفسیر می‌کنند و زبان در پراکسیس و عمل زندگی سیاسی و اجتماعی ادغام شده و به عنوان میانجی در عمل اجتماعی است. هابر ماس نماینده هرمنوتیک انتقادی است و بسیار تحت تاثیر ارسطو می‌باشد. زبان از نظر هابر ماس منشاء طبیعی دارد و می‌بایست همسو با طبیعت باشد، به همین دلیل وی از عقلانیت ارتباطی که نوعی همسوئی با طبیعت است، در مقابل عقلانیت ابزاری دفاع می‌کند. (معینی، ۱۷۴: ۱۳۸۵) از نظر هابر ماس وظیفه علم رهایی بخشی آن است، در حالیکه علم به صورت ابزار به کار می‌رود و وجه رهایی بخشی آن به کار گرفته نمی‌شود.

۴) هرمنوتیک رادیکال: نقطه عزیمت این نوع هرمنوتیک، طرح این پرسش است که آیا معنایی در متن وجود دارد؟ دریدا، استانی فیش، نئوپراگماتیست، کاپوتو رواتیمو هرمنوتیک رادیکال را در نظر می‌گیرد. این نوع هرمنوتیک به تکرار معنا در متن اشاره دارد و اتیمو، کاپوتو از شارحین این نوع هرمنوتیک است.

۲- ساختارگرایی: در شکل‌گیری مکتب ساختارگرایی چند جریان فکری از جمله موارد زیر در تحول بینش ساختی موثر است. (۱) مفهوم هگلی کلیت است که تاریخ نویسان و فلاسفه ایده آلیست آلمانی از آن در تحلیل جامعه بهره گرفته‌اند. (۲) نظریه گشتالت در روان شناسی ادراکی که در صدد برآمد به روش تجربی اثبات کند که کل چیزی فراتر از مجموع اجزای فردی آن است. (۳) زبان شناسی دو سوسور که مصمم بود نظریه اتمیستی دستور زبان کلاسیک را با تمیز نهادن میان زبان و گفتار مردود اعلام می‌کند. در نظریه دوسوسور زبان ساخت اصلی و گفتار تجلی تجربه است. (۴) تحلیل مارکسیستی از شکل بندی اجتماعی، که به کنش و واکنش پیچیده اجزای تشکیل دهنده جامعه علاقمند بود. (۵) تحول سیرنیتیک و نظریه ارتباطات. (نوابخش، ۸۵: ۱۳۸۲)

ساختارگرایی یک شیوه خاص تفکر علمی است که «کل» را موضوع شناخت قرار می‌دهد، این مکتب وحدت‌گرا است. ساختارگرایی می‌کوشد، فعالیت انسانی در حوزه‌های مختلف را در یکجا جمع کند. ساختارگرایی در واکنش به دیدگاه‌های ذره باور ظهور کرد و از کل‌هایی صحبت می‌کند که به طور تجربی قابل مشاهده نیستند ولی وجود دارند. ساختارگرایان پدیده‌های سیاسی و اجتماعی را به صورت کل‌هایی در نظر می‌گیرند، این کل‌ها چیزی بیش از اجزای تشکیل دهنده‌شان است. بنابراین در ساختارگرایی نوعی «کل نگری» به چشم می‌خورد. آلتوسر متفکر ساختارگرا در آثارش از اصطلاح «وحدت تعارض آمیز کل اجتماعی» استفاده می‌کند. در اندیشه‌های ساختارگرایی دو نحله فکری به چشم می‌خورد. (۱) نحله ساختارگرایی نهادی، مانند آلتوسر، اسپنسر، پارسونز، دورکیم و (۲) نحله ساختارگرایی زبانی مانند سوسور و لوی اشتراوس. کلودلوی اشتراوس، متفکر



ساختارگرایی زبانی نیز تاکید دارد که یک نشانه را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن نشانه‌های دیگر و جدا از یک کلیت بررسی کرد. نظریه پردازان ساختارگرا در پس پدیده‌های سیاسی و فرهنگی عناصری را می‌یابند که رابطه‌ای شبکه‌ای با یکدیگر دارند. این مناسبات، کلیتی را می‌سازند و ساختارها عبارت هستند از این «کله‌ها». بنابراین از نظر لویی اشتراوس می‌توان «ساختار اجتماعی» را از «روابط اجتماعی» تمیز داد. روابط اجتماعی مشتمل بر روابط خاص‌اند که مدل‌های سازنده، ساختار اجتماعی با توجه به آن ساخته می‌شود و ساختار اجتماعی را نمی‌توان به روابط اجتماعی تقلیل داد. (معینی، ۱۰۷: ۱۳۸۵)

«هربرت اسپنسر» اصطلاح «ساختار» را از زیست‌شناسی وام گرفت و برای نخستین بار آن را در مباحث جامعه‌شناسی به کار برد. «اسپنسر» مایل بود که از طریق به کارگیری اصطلاح «ساختار» تفکر سیستمی را به جامعه‌شناسی انتقال دهد. واژه ساختار در آثار «دورکیم»، «مارکس»، «زیمل»، «پاره‌تو»، «رادکلیف براون» به کار برده شده است. این نظریه پردازان مفهوم «ساختار» را برای نشان دادن مشخصه‌های اجتماعی «غیرفردی» به کار بردند.

از نظر دانیل لیتل، ساختارگرایی بر اساس این درک از «ساختار»، ظهور کرده از این رو ساختارگرایی از همان ابتدا به نوعی تبیین علی‌گرایش دارد. در مقابل این مفهوم از ساختارگرایی علی، ساختارگرایی غیرعلی قرار دارد که لویی اشتراوس، یک نوع ساختارگرایی غیرعلی است. از نظر لویی اشتراوس، زبان دارای قوانین نحوی (syn tax) و ریخت‌شناسانه (Morphologic) است و آگاهی‌های فردی در زبان دخیل نیست و این قوانین به طرز سخن گفتن فرد، شکل می‌دهد و همچنین زبان مقوله‌ای اجتماعی و عینی است و ساخته ذهن فرد نیست. (معینی، ۱۰۹: ۱۳۸۱) ساختارگرایی غیرعلی را در اندیشه‌های «دوسوسور» می‌توان دید.

در زبان‌شناسی سوسوری، زبان نه مانند آئینه‌ای برای انعکاس واقعیت است و در عین حال، بر ریشه‌شناسی تاریخی و توضیح معنای واژه‌ها نیز استوار نیست. «سوسور» زبانی را با توجه به دو عملکرد «رابطه» و «تفاوت» تحلیل کرد. به عقیده وی واژه‌ها به طور منفرد و در ذات خود دارای معنا نیستند. بلکه در ارتباط با واژگان دیگر معنا پیدا می‌کند. ساختارگرایان به پیروی از «سوسور» واقعیت را نه در اشیاء منفرد بلکه در روابط اشیاء در نظر گرفتند.

از نظر سوسور دو رابطه عمده وجود دارد از یک سو، آن روابطی که عناصر متمایز از یکدیگر و جایگزین یکدیگر را پدید می‌آورند، (مثلاً o در مقابل p یا Foot در مقابل Feet). از سوی دیگر روابط در یک توالی زبانی. در زبان‌شناسی سوسور «میز» میز است چون با پنجره و اتاق افتراق و تفاوت دارد، بنابراین سوسور به مفاهیم «افتراقی» می‌نگرد و معنای مفاهیم از روی «تفاوت» درک می‌شود. ساختار زبان از نظر سوسور، مبتنی بر نظام بسته است و در چارچوب «نظام تبدیلی» عمل می‌کند. (معینی، ۱۱۱: ۱۳۸۵) لویی اشتراوس از سوسور تاثیر گرفته است و مفهوم دال به معنی اسم شی و مدلول به معنای مفهوم شی را از سوسور به ارث گرفته است. وی بیان می‌کند که برای شکل‌گیری نشانه، دال (اسم شی) می‌بایست به مدلول (مفهوم شی) تقدم داشته باشد. اشتراوس در کتاب «توتمیسم» خود با ارجاع به عقاید «ژان ژاک روسو» به سه‌گذر سه‌گانه اشاره می‌کند. این گزاره‌ها عبارتند از: ۱) گذار از طبیعت به فرهنگ؛ ۲) گذار از عاطفه به تعقل؛ ۳) گذار از حیوانیت به انسانیت. (معینی، ۱۱۴: ۱۳۸۵) از نظر سوسور زبان‌شناسی پدیده‌ها از طریق رابطه دال با مدلول درک می‌شود. دال با مدلول رابطه دارد. منظور وی از دال اسم شی و از مدلول مفهوم شی است. مثلاً اسم اسب با مفهوم اسب تشکیل یک نشانه را می‌دهد که شخص این نشانه را می‌فهمد. از نظر سوسور اسم شی دال signifier است و مفهوم شی مدلول یا signifiey است. در واقع سوسور شناخت پدیده‌ها را از طریق نشانه‌شناسی قابل درک می‌داند که عبارت است از نحوه ارتباط دال با مدلول.

«ساختارگرایان» سوژه انسانی را به عنوان امری ساخته شده، در نظر می‌گیرند و به مولفه آگاهی انسان توجهی ندارد و مفهوم سوژه در علوم اجتماعی بیانگر یک تجربه درونی است. ساختارگرایان مفهوم‌های «انسانیت» و «نوع بشر» را به عنوان مفاهیم نظری قبول دارند. «آلتوسر» از این موضوع زیر عنوان گسست شناخت‌شناسانه نام می‌برد. منتقدان آن را به معنای تبدیل انسانها بازپچه ساختارها تلقی می‌کنند. (معینی، ۱۱۷: ۱۳۸۵)

ساختارگرایان به خودآگاهی عاملان سیاسی و ادعاهای آنان اهمیتی نمی‌دهند. بلکه می‌خواهند نشان دهند که حقیقت چگونه درون ساختارهای سیاسی ساخته می‌شود. در ساختارگرایی ترجیح داده می‌شود، به جای گفت و گو درباره درستی یا نادرستی یک سخن سیاسی درباره چگونگی ساخته شدن این سخن در چارچوب مناسبات زبانی و قواعد ساختاری تحقیق کند، از این دیدگاه سخن سیاسی یک امر ذاتی نیست و معنای سیاسی را با توجه به نشانه‌ها و چارچوب‌های فرهنگی سازنده آن مطالعه کرد.



یک سیاست شناس ساختارگرا معنا را در ساختار جستجو می‌کند و تمایز شدیدی بین ذهن و واقعیت قایل نمی‌شود و سوژه سیاسی را تابع قواعد حاکم بر ساختار قرار می‌دهد. ساختارگرایان اندیشه‌های سیاسی را، دارای ماهیت ایدئولوژیک می‌دانند و ایدئولوژی به عنوان یک نظام بازیابی و به منزله مناسبات زنده تخیلی از اهمیت زیادی در زمینه کنترل سیاسی برخوردار است. این نظام بازنمایی نقش انسان را به عنوان عضو جامعه تعریف می‌کند.

از نظر ساختارگرایان ایدئولوژی، عرضه مناسبات تخیلی بین مردم و شرایط واقعی آنهاست. در دیدگاه ساختارگرایی در سیاست ایدئولوژی به عنوان شبکه‌ای از نمادها و معناها برای حفظ و تداوم مناسبات قدرت، در نظر گرفته می‌شود و مولفه ایدئولوژی از منطق و انسجام لازم برای نظام سازی برخوردار است. (معینی، ۱۳۸۵: ۱۱۸)

ساختارها از دو طریق «ساختار به مانند جایگاه» و «ساختار به مانند نقش» قابل شناسایی است. در ساختار به مانند جایگاه مانند تمیزگذاری بین فقیر و غنی، براساس میزان ثروت، ساختارها تعیین می‌شوند و در ساختارگرایی به مانند نقش به نقش بازیگر توجه می‌شود، مانند نقش زن در خانواده در این مفهوم، وضعیت زن قبل از ازدواج و بعد از ازدواج فرق دارد. به هنگام پذیرفتن ازدواج، انتظارات متفاوتی از زن شکل می‌گیرد و رفتار جدیدی به زن القاء می‌شود. این انتظارات و محدودیتها فقط از سوی جامعه تحمیل نمی‌شود، بلکه خود زن نیز به آن باور دارد و یک رشته ارزشها را درونی و مدام آن را در چارچوب روابط سیاسی - اجتماعی بازتولید می‌کند. مفهوم آلتوسری استیضاح و خطاب کردن (Interpellation) نمونه دیگر از «ساختار به مثابه نقش» است. به عقیده آلتوسر، ایدئولوژی را به سوژه تبدیل می‌کند و شخص در چارچوب ساختار و به وسیله ایدئولوژی تعیین می‌یابد. از نظر آلتوسر، عمل در چارچوب ایدئولوژی ساخته می‌شود. (معینی، ۱۳۸۵: ۱۲۰)

در ساختارگرایی نقش سوژه به حداقل خود می‌رسد، زیرا تاکید بر «فرد» نیست و به جای آن تاکید بر «کلیت» است که این تلقی ساختارگرایان از سوژه فردی در مقابل تلقی لیبرالها از سوژه قرار می‌گیرد. نگرشی در آلتوسر متاخر پدید آمد مبنی بر اینکه هر مواجهه بیانگر یک «حدس پیش‌بینی ناپذیر درباره ساختارها و اعمال و ذهنیتها» است. بر همین اساس وی از نیاز به «کشودگی رادیکال» سخن می‌گوید. آلتوسر متاخر بر خلاف آلتوسر اولیه که بر کلیت تاکید داشت بر منفرد بودن و رفتارهای فردی تاکید داشت. البته با در نظر گرفتن عمومیتی در این رفتارها و توجه وی تحول سیاسی بیشتر شد. (معینی، ۱۳۸۵: ۱۲۳)

۳- روش تحقیق تاریخی: بر اساس قدمای یونان، تاریخ عبارت است از پژوهش به منظور بازسازی آنچه که در گذشته اتفاق افتاده است و تا حدودی حتی امروزه آن شاخه‌ای از یادگیری است و به مطالعه و ثبت گذشته می‌پردازد. تحقیق تاریخی از آن تحقیقاتی است که بر موضوعی معین که در گذشته و در یک مقطع زمانی مشخص اتفاق افتاده، صورت می‌گیرد. تلاش محقق در روش تحقیق تاریخی بر آن است که حقایق گذشته را از طریق جمع آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت و سقم این اطلاعات، ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آنها به صورتی منظم و عینی ارایه کند.

اهداف تحقیق تاریخی عبارت است از: (۱) مطالعه در تاریخ انواع ملل و وقایع گذشته (۲) دریافت شناخت پدیده‌ها (۳) مطالعه در علت وقایع گذشته. اطلاعات مورد نیاز در پژوهش تاریخی را می‌توان از دو منبع یا مآخذ به دست آورد.

(۱) **منابع دسته اول:** شامل اسناد و مدارکی که توسط ناظران واقعی واقعه ضبط و نوشته شده‌اند. (ب) بقایایی از فرد یا گروه به جا مانده، مانند: فسیلها، اسکلتها، سنگر قبرها، ابزارها، لباسها، ساختمان، تصاویر و نقاشیها، سکه‌ها و مانند آن. (ج) گواهی شفاهی فرد ناظر در جریان وقوع حادثه از طریق مصاحبه شخصی.

(۲) **منابع دسته دوم:** شامل گزارش‌هایی است که گزارشگر ناظر عینی واقع نبوده و امکان دارد گزارش مذکور بر اساس مصاحبه‌ای با مشاهده کننده واقعی حادثه، تهیه و تنظیم شده باشد یا گزارشگر، گزارش این فرد را مطالعه کرده است. اطلاعات موجود در کتاب‌های درسی تاریخ یا کتاب‌های اطلاعات عمومی که بارها نویسندگان گزارش داده‌اند، در زمره منابع دسته دوم هستند.

(۳) **منابع تاریخی:** این منابع عبارتند از:

۳-۱) **منابع نوشته:** مثل سرگذشتها، آثار ادبی فلسفی، کتابها، مجله‌ها، روزنامه‌ها، شرح وقایع تاریخی، وقایع سالانه، سالنامه‌ها، بیوگرافی اشخاص، شرح خاطرات، نامه‌ها، یادداشت‌های روزانه، شجره النسبها، اسناد تاریخی و سفرنامه‌ها.

۳-۲) **منابع شفاهی:** منابعی هستند که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. این منابع شامل منابع هنری، منابع



مادی مثل سفالها، سکه‌ها و ظروف و... و منابع سمعی و بصری و منابع ساختمانی است. در روش تاریخی چهار موضوع مطرح عبارت است از: (۱) صحت (۲) درستی (۳) منطق عقل (۴) منطق واقعیت. (طاهری، ۱۴۰: ۱۳۹۰) در روش تحقیق تاریخی می‌توان از روش جامعه‌شناسی تاریخی نام برد که این روش را برینگتون مور در کتاب «ریشه‌های دیکتاتوری و دموکراسی» به کار برده است. بعد از وی شاگردش به نام تدا اسکاچپول از این روش استفاده کرد. مور در کتاب خود به شکل‌گیری تحولات اجتماعی در انگلستان، فرانسه، روسیه، آلمان و چین پرداخت. از نظر مور، انقلاب شکوهمند انگلستان حاصل تعامل سنت و مدرنیسم است و انقلاب فرانسه حاصل جدایی سنت و مدرنیسم است. در امریکا سنت، عاملی برای تحول اجتماعی بوده و در چین طبقه دهقانان عاملی برای تحول اجتماعی بوده‌اند. در روسیه تحول اجتماعی از طریق احزاب کارگری صورت گرفته است و تحول اجتماعی در آلمان از طریق حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان یا همان حزب فاشیسم صورت گرفت.

روش پدیدارشناسی (Phenomenology)

ترکیبی از دو واژه یونانی Phainomenon و Logos است. فنومنولوژی به شرح شیوه‌های مختلف می‌پردازد که در آنها اشیاء می‌توانند پدیدار شوند (رابرت ساکلوفسکی، ۵۶: ۱۳۸۴). برای اولین بار امانوئل کانت فیلسوف آلمانی تفکیکی بین (Nomen) نوم و فنومن (Phenomen) صورت داد. از نظر کانت، نومنها یعنی اموری که وجود دارند ولی ما انسانها قادر به درک این امور نیستیم و در مقابل فنومن یعنی اموری که پدیدار می‌شوند و وجود دارند را در نظر گرفت. بعد از کانت، پیروان وی به دو گروه تقسیم شدند: گروه اول که فیلسوفان پوزیتیویست تحلیلی بودند که باور داشتند نومنها کانتی وجود ندارد و هر چه هست فقط فنومن‌ها است که اینگونه فیلسوفان عبارت بودند از فرگه، راسل، کارنپ، آیر و... و گروه دوم فیلسوفان نوکانتی فیلسوفانی بودند که قایل به تفکیک نوم و فنومن بودند. از این گروه از فیلسوفان می‌توان از ادموند هوسرل و مارتین هایدگر و یورگن هابرماس را نام برد. هر سه این اشخاص پدیدارشناس هستند.

در پدیدارشناسی ملاک بازگشت به خود چیزهاست، منتهی در این روش جوهرگرایی (Essentialism) نفی می‌شود و بازگشت به خود چیزها یعنی اینکه پدیده‌ها چگونه که هستند، نمود، پیدا کنند، این مسئله اساس روش پدیدارشناسی است و نمی‌توان این روش را یک روش محافظه‌کارانه که در صدد حفظ موجود است نامید، بلکه این روش یک روش هنجاری است به این معنا که وضعیت موجود مخدوش شده و می‌بایست به وضعیت طبیعی که مخدوش نشده بازگردیم و این بازگشت به وضع طبیعی مخدوش نشده این روش را جزء روش‌های هنجاری قرار می‌دهد. معمولاً به این معنا که هر کس می‌تواند مطابق تجربه آگاهی خود زیست کند و در شرایط امکانی که بر وی پدیدار می‌شود زندگی کند و شرایط امکانی از نظر هوسرل حالت فراروند و یا استعلایی (Transdental) دارد و از نظر هایدگر نیز بازگشت به طبیعت از طریق بازگشت به دازاین (Dasein) یا زندگی اصلی صورت می‌گیرد. معمولاً در استفاده از این پدیدارشناسی (هایدگر)، روش هرمنوتیک به کار می‌رود. روش پدیدارشناسی مبتنی بر حرکت از نومنها به فنومن‌ها در هوسرل و حرکت از فنومن‌ها به نومنها در هایدگر می‌باشد. به عبارت دیگر در روش پدیدارشناسانه هوسرل از باطن به ظاهر می‌رویم و در روش پدیدارشناسانه هایدگری از ظاهر به باطن می‌رویم.

لازم به ذکر است که یورگن هابرماس نیز از روش پدیدارشناسانه استفاده می‌کند از نظر هابرماس وضعیت مخدوش فعلی که ناشی از بحران عصر مدرنیته و سرمایه‌داری است باید به وضعیت اولیه برگردد که بدون بحران و طبیعی است. وی راه‌حل این بازگشت به وضع مخدوش نشده را عقلانیت «ارتباطی» مبتنی بر گفتگو می‌داند و وضع مخدوش فعلی را ناشی از غلبه عقلانیت ابزاری بیان می‌نماید.

سوالات تالیفی فصل اول

۱- منظور از رهیافت (approach) در تحقیق چیست؟

- (۱) مجموعه تاکتیکها و استراتژیها
(۲) مجموعه رویکردهای ذهنی
(۳) مجموعه روشها
(۴) مجموعه باورها

۲- منظور از رویکرد (attitude) در تحقیق چیست؟

- (۱) مجموعه تاکتیکها و استراتژیها
(۲) مجموعه رویکردهای ذهنی
(۳) مجموعه روشها
(۴) مجموعه باورها

۳- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) رهیافت دربرگیرنده رویکرد و رویکرد در برگیرنده ایدئولوژی است.
(۲) رویکرد دربرگیرنده رهیافت و رهیافت در برگیرنده روش است.
(۳) رهیافت دربرگیرنده رویکرد و رویکرد در برگیرنده روش است.
(۴) رهیافت و روش در برگیرنده رویکرد است.

۴- اجزاء تشکیل دهنده رهیافت عبارت است از:

- (۱) هستی‌شناسی - معرفت‌شناسی
(۲) هستی‌شناسی - معرفت‌شناسی - روش‌شناسی
(۳) هستی‌شناسی - انسان‌شناسی - معرفت‌شناسی
(۴) گزینه ۲ و ۳ صحیح است.

۵- کدام یک از گزاره‌های زیر در مورد تقدم رهیافت - رویکرد - روش صحیح است؟

- (۱) ابتدا روش بوجود آمد سپس رویکرد، سپس رهیافت
(۲) ابتدا رویکرد بوجود آمد سپس رهیافت، سپس روش
(۳) ابتدا رهیافت بوجود آمد سپس رویکرد، سپس روش
(۴) ابتدا رهیافت بوجود آمد سپس روش، سپس رویکرد

۶- برای هر پژوهش سیاسی کدام یک از گزینه‌های زیر سنگ بنای آن است؟

- (۱) رویکرد
(۲) رهیافت
(۳) روش
(۴) روش‌شناسی

۷- تفهیم در نظر شلایر مآخر عبارت است از:

- (۱) امر نوشته شده موجود در متن
(۲) امر گفته شده که مولف متن گفته است (Utterance)
(۳) فعل گفتاری شخص مولف که همه جنبه روانشناختی نیز دارد.
(۴) گزینه ۲ و ۳

۸- روش هرمنوتیک شلایر مآخر روش است.

- (۱) ساختارگرایانه
(۲) پدیدارشناسانه
(۳) روش هرمنوتیک مولف محور
(۴) جمع روش پدیدارشناسی با پساساختارگرایی

۹- در نزد هرمنوتیک شلایر مآخر تفسیر و همان است.

- (۱) تاویل
(۲) فهم
(۳) توضیح
(۴) توصیف



۱۰- از نظر آگوست بوئک تفسیر عبارت است از:

(۱) تفسیر دستوری (grammatical) - تفسیر تاریخی (historical)

(۲) تفسیر نوعی (generic) - تفسیر فردی (Individual)

(۳) تفسیر - نقد - تفهیم معنای یکسان دارند.

(۴) گزینه ۱ و ۲

۱۱- وظیفه مفسر از نظر بوئک است.

(۱) فهم امر به خصوص

(۲) فهمیدن موضوع است.

(۳) فهماندن موضوع

(۴) گزینه ۲ و ۳

۱۲- تفسیر از نظر ارسطو می‌باشد.

(۱) فعل ابتدائی عقل

(۲) مبنایی برای صدق و کذب

(۳) با زبان مرتبط

(۴) هر سه گزینه فوق

۱۳- هرمنوتیک از نظر آگوستین می‌باشد.

(۱) علم تاویل کتاب مقدس

(۲) علم تفسیر کتاب مقدس

(۳) علم تاویل اخبار

(۴) علم تفسیر اخبار

۱۴- برای نخستین بار چه کسی هرمنوتیک را علم نامید؟

(۱) ارسطو

(۲) آگوستین

(۳) شلایر ماخر

(۴) ریکور

۱۵- مفهوم هرمنوتیک عام به چه معناست و برای اولین بار چه کسی مبدع این روش بود؟

(۱) شلایر ماخر - به معنای دانش منسجم و نظام فکری منسجم

(۲) ریکور - به معنای دانش منسجم و نظام فکری منسجم

(۳) آگوستین - به معنای تاویل کتاب مقدس

(۴) ارسطو - به معنای به کاربردی عقل در تفسیر

۱۶- از دید شلایر ماخر متن دارای معنای است و هدف واقعی تفسیر است و نه تفسیر.....

(۱) بی‌انتهای - دستوری grammatical - فنی technical

(۲) نهایی - فنی Technical - دستوری grammatical

(۳) چندلایه - دستوری grammatical - فنی Technical

(۴) چندلایه - فنی Technical - دستوری grammatical

۱۷- کدامیک از متفکران زیر جزء نظریه پردازان هرمنوتیک انتقادی هستند؟

(۱) هایدگر و ریکور

(۲) کارل اتو آپل و هابرماس

(۳) هابرماس و آرنست

(۴) نیچه و مارکس، فروید

۱۸- کدامیک از متفکران زیر جزء نظریه پردازان هرمنوتیک تردیدی هستند؟

(۱) هایدگر و گادامر

(۲) بارن، ریکور، امبرتواکو

(۳) نیچه، مارکس، فروید

(۴) گادامر و ریکور

۱۹- کدامیک از متفکران زیر جزء نظریه پردازان هرمنوتیک اخلاقی هستند؟

(۱) گادامر و ریکور، لویناس

(۲) هابرماس و آرنست

(۳) بتی، هرش، اسکینر

(۴) بارت، ریکور، امبرتواکو

۲۰- کدامیک از متفکران زیر جزء نظریه‌پردازان هرمنوتیک رهایی‌بخش هستند؟

- (۱) هایدگر، گادامر
(۲) مارکس، راسل
(۳) انریکو راسل، هابرماس
(۴) فروید، هایدگر

۲۱- تفاوت تفسیر از نظر امبرتواکو و دریدا چیست؟

- (۱) تفاوتی ندارد.
(۲) امبرتواکو تفسیر را دارای معنای واحد می‌داند/تفسیر در دریدا به معنای تعدد معانی است.
(۳) امبرتواکو مبنای تفسیر را کلیت عقلی می‌داند و دریدا تفسیر را جزئی می‌داند.
(۴) گزینه ۲ و ۳

۲۲- کدامیک از متفکران زیر جزء هرمنوتیک روشی مفسر محور هستند؟

- (۱) گادامر
(۲) هابرماس و آرنه
(۳) اریکسون
(۴) هایدگر

۲۳- هدف از تفسیر نزد شلایر ماکر چیست؟

- (۱) فهم مولف بر مبنای تاویل دستوری در سطح متن و تاویل فنی با در نظر گرفتن شرایطی که متن در آن شکل گرفته است.
(۲) جنبه‌های عمومی زبانی که سخن نویسنده در آن فضا شکل گرفته است.
(۳) فهم ویژگی‌های فردی و روانشناختی مولف
(۴) هر سه گزینه صحیح است.

۲۴- اپیستمه (نظام دانایی) رنسانس از نظر فوکو مبتنی بر مفهوم است.

- (۱) تفاوت
(۲) شباهت
(۳) عقل
(۴) تجربه

۲۵- اپیستمه (نظام دانایی) کلاسیک مبتنی بر مفهوم است.

- (۱) تفاوت
(۲) شباهت
(۳) بازنمایی
(۴) تجربه

۲۶- اپیستمه (نظام دانایی) مدرن شامل است.

- (۱) یک بعد است که عبارت است از علوم طبیعی و ریاضی است.
(۲) دو بعد علوم طبیعی و ریاضی و بعد تامل فلسفی
(۳) سه بعد علوم طبیعی و ریاضی، فلسفی، زیست‌شناختی، زبانی، تولیدی است.
(۴) بُعد عقلانیت و تجربه

۲۷- مفهوم بایگانی (archive) دیرینه‌شناسی (Rationality) فوکو چیست؟

- (۱) سیستم‌های مختلف احکام و نظام تشکیل و تغییر آن
(۲) هر چه فاصله تاریخی به بایگانی کمتر باشد توصیف دشوارتر است.
(۳) هر چه فاصله تاریخی به بایگانی بیشتر باشد توصیف دشوارتر است.
(۴) گزینه ۱ و ۲

۲۸- دیرینه‌شناسی قدرت

- (۱) پیش بینی دارد.
(۲) توصیف دارد.
(۳) پیش بینی ندارد.
(۴) گزینه ۲ و ۳



۲۹- منظور فوکو از تبارشناسی چیست؟

- (۱) علم Science
- (۲) دانش (Knowledge)
- (۳) ترکیب و تلفیق دانش علمی و تجارب بومی است، ضد علم
- (۴) فهم

۳۰- کدام یک از آثار زیر مربوط به دوره دیرینه‌شناسی فوکو است؟

- (۱) تاریخ جنون
- (۲) فوکو در دیرینه‌شناسی توجه به گفتار بدون سوژه می‌نماید.
- (۳) واژه و چیزها (نظم اشیا)
- (۴) هر سه گزینه

۳۱- نوع خالص از نظر وبر

- (۱) هدف است.
- (۲) فی نفسه هدف نیست، بلکه وسیله است.
- (۳) معیار عینیت است.
- (۴) معیار اندازه‌گیری است.

۳۲- منظور وبر از نگرش ارزشی چیست؟

- (۱) انتخاب موضوع باید بی‌طرف باشد.
- (۲) انتخاب موضوع در مطالعات اجتماعی توسط ایستارهای ارزشی معین هدایت می‌شود.
- (۳) انتخاب موضوع مربوط به انتخاب ذهنی پژوهشگر است.
- (۴) گزینه ۲ و ۳

۳۳- از نظر وبر نگرش ارزشی داوری ارزشی است.

- (۱) همان
- (۲) متفاوت با
- (۳) مصادیق
- (۴) گزینه ۱ و ۳

۳۴- موضع وبر در مورد داوری ارزشی چگونه است؟

- (۱) امری مثبت می‌داند و برای تحقیق ضروری
- (۲) امری در راستای تفکر پژوهشگر می‌داند.
- (۳) امری مفهوم می‌داند و توصیه به اجتناب از آن دارد.
- (۴) امری ضروری و اجتناب ناپذیر می‌داند.

۳۵- ضرورت‌های روشی وبر عبارتند از:

- (۱) کفایت علی، به معنای اینکه تفسیری، طبق تعمیم‌های حاصل از تجربیات، وقوع همیشه یکسان وقایع را محتمل بدانیم.
- (۲) کفایت معنایی، با ذهن خود پی ببریم که اجزاء تشکیل دهنده در رابطه متقابلشان با یکدیگر ترکیب معنایی بارزی انجام می‌دهند.
- (۳) کفایت تاریخی باید معنا را در تاریخ بیان نماید و محقق آنرا کشف کند.
- (۴) گزینه ۱ و ۲

۳۶- سیارات سیاسی از نظر وبر عبارت است از:

- (۱) احتمال اطاعت گروه مشخصی از افراد از قوانین خاص است که از منبع مشخص صادر می‌شود.
- (۲) سیادت سیاسی عامل مشروعیت بخش به نظام سیاسی است.
- (۳) سیادت و مشروعیت، دو نوع رابطه اجتماعی هستند که ریشه در کنش اجتماعی دارند.
- (۴) هر سه گزینه

۳۷- کدامیک از گزینه‌های زیر بیانگر کنش معنادار است؟

- (۱) کنشی است که از نظر ذهنی قابل درک باشد و دارای معنی ذهنی خاصی باشد.
- (۲) کنش‌های معنادار بیرونی هستند.
- (۳) کنش‌های معنادار درونی هستند.
- (۴) هر سه گزینه صحیح است.

۳۸- کدامیک از گزینه‌های زیر بیانگر کنش معنادار از نظر وبر است؟

- (۱) کنش عقلانی هدف‌دار: براساس تجربه خود و برای هدف معین انجام می‌شود.
- (۲) کنش عقلانی ارزشی: بدون در نظر گرفتن هدف به خاطر امری یا ارزشی صورت می‌گیرد.
- (۳) کنش عاطفی: از حس درونی افراد سر می‌زند.
- (۴) هر سه گزینه

۳۹- کدامیک از گزینه‌های زیر بیانگر کنش اجتماعی است؟

- (۱) کنشی است که از نظر ذهنی قابل درک باشد و دارای معانی ذهنی خاص باشد.
- (۲) کنشی است که کنش‌گر معنای ذهنی کنش‌گر دیگر را در معنای ذهنی خود منظور کند و مطابق آن عمل کند.
- (۳) کنش فردی است که فرد مطابق میل خود انجام می‌دهد.
- (۴) کنشی است که در جمع صورت می‌گیرد و فرد در آن نقشی ندارد.

۴۰- منظور وبر «از نسبیت روشی» چیست؟

- (۱) در نظر گرفتن یک عامل در تعیین پدیده اجتماعی صحیح نیست.
- (۲) در نظر گرفتن یک عامل در تعیین پدیده اجتماعی صحیح است.
- (۳) در نظر گرفتن دلایل در شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی با در نظر گرفتن علتها
- (۴) گزینه ۱ و ۳

۴۱- از نظر وبر تحولاتی مانند تضاد طبقاتی و سرمایه‌داری چگونه پدیده‌هایی هستند؟

- (۱) پدیده‌هایی هستند که در همه جا بوده و قابل تسری به نقاط دیگر جهان است.
- (۲) پدیده‌هایی هستند که در هر کشور فرق می‌کند و نمی‌توان آن را مبنای تحولات دیگر قرار دارد.
- (۳) پدیده‌های اجتماعی هستند که می‌بایست تحولات این پدیده را غیرخطی در نظر گرفت.
- (۴) پدیده‌هایی هستند که قابل تبیین هستند اما تفسیر آنها مبتنی بر تاویل است.

۴۲- در نسبیت روشی وبر عامل را مبنای تحلیل خود قرار می‌دهد.

- (۱) تاریخ
- (۲) جامعه‌شناسی
- (۳) احتمال
- (۴) تجربه

۴۳- از نظر سوسور دال با مدلول و از نظر دریدا دال با مدلول

- (۱) رابطه مستقیم دارد - رابطه مستقیم ندارد.
- (۲) رابطه مستقیم ندارد - رابطه مستقیم ندارد.
- (۳) رابطه مستقیم دارد - رابطه مستقیم دارد.
- (۴) رابطه مستقیم ندارد - رابطه مستقیم دارد.

۴۴- در اندیشه سوسوری به نشانه، به مانند نگریسته می‌شود.

- (۱) هویت واحد
- (۲) هویت متکثر
- (۳) هویت لازم
- (۴) هویت کافی



۴۵- از نظر دریدا واژه اندیشه یا تفکر

- (۱) یکسان هستند.
(۲) یکسان نیستند.
(۳) اینهمانی دارند.
(۴) همگرایی و ذاتی هستند.

۴۶- از نظر دریدا ساختار نشانه به وسیله نشانه دیگر

- (۱) تعیین می‌شود.
(۲) که همواره حاضر است، تعیین می‌شود.
(۳) که همواره غایب است، تعیین می‌شود.
(۴) گزینه ۱ و ۲ صحیح است.

۴۷- در رهیافت پساساختارگرایی تاکید بیشتر بر می‌باشد.

- (۱) معرفت‌شناسی (۲) هستی‌شناسی (۳) انسان‌شناسی (۴) روش‌شناسی

۴۸- در رهیافت پساساختارگرایی تاکید بیشتری بر به جای است.

- (۱) ذهن - متن (۲) متن - ابژه (۳) متن - ذهن (۴) ذهن - ساخت

۴۹- کدامیک از گزینه‌های زیر بیانگر بیان بحران های پساساختارگرایی است؟

- (۱) بحران چارچوب، بحران کلان روشها، بحران قرائت استعلایی، بحران امر حقیقی
(۲) بحران چارچوب، بحران بازنمایی، بحران سوژه یا فاعل شناسها، بحران معنادگی
(۳) بحران شناسایی، بحران علت یا تعیین یک جانبه، بحران افق، بحران تاریخی‌گرایی
(۴) هر سه گزینه فوق

۵۰- کدامیک از گزینه‌های زیر در مورد پساساختارگرایی صحیح است؟

- (۱) پسا ساخت‌گرایان شکاک و یا رادیکال همچون پسامدرنیست‌های بدبین به هیچ روش درستی برای تحقیق درباره امر انسانی معتقد نیستند.
(۲) پسا ساخت‌گرایان شکاک بر روش ضد قاعده تاکید دارند.
(۳) پسا ساخت‌گرایان معتدل به ترویج رهیافت «هر چیزی ممکن است» می‌پردازد.
(۴) هر سه گزینه فوق

۵۱- کتاب «ضدروش» از کیست؟

- (۱) ایمیره لاکاتوش (۲) دیلتای (۳) فایربرد (۴) ژوزف نای

۵۲- فایربرد در بحث‌های خود «.....» است.

- (۱) ضد روش (۲) ضدقاعده (۳) هر چیز ممکن (۴) گزینه ۱ و ۲

۵۳- مارش و استوکر در کتاب «روش و نظریه در علوم سیاسی می‌باشند.

- (۱) پسا ساختارگرای رادیکال (۲) پسا ساختارگرای معتدل
(۳) ساختارگرای رادیکال (۴) ساختارگرای معتدل

۵۴- ساختارگرایی عبارت است از:

- (۱) پافشاری بر مطالعه ساختارهای روبنایی مشترک زبان، به طور کلی و در نظر گرفتن فرایندهای تاریخی
(۲) پافشاری بر مطالعه ساختارهای زیربنایی مشترک زبان، به طور کلی و در نظر گرفتن فرایندهای تاریخی
(۳) در ساختارگرایی زبان اساسا مایملکی اجتماعی است نه چیزی متعلق به افراد مجزا
(۴) گزینه ۲ و ۳ صحیح است.

۵۵- سوسور به نظریه معنا قایل است.

- (۱) جزءنگرانه (۲) لایه‌ای (۳) کل نگرانه (۴) طبیعی

۵۶- ابعادی که یک رهیافت در بر می‌گیرد عبارت است از:

- (۱) روش‌شناسی (۲) روش تحقیق (۳) هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی (۴) گزینه ۱ و ۲

۵۷- هستی‌شناسی (ontology) به موضوع می‌پردازد.

- (۱) چیستی (۲) چرایی (۳) فهم (۴) چگونگی

۵۸- معرفت‌شناسی (epistemology) به موضوع می‌پردازد.

- (۱) چیستی‌ها (۲) چگونگی‌ها (۳) فهم (۴) چرایی

۵۹- روش‌شناسی (Methodology) به می‌پردازد.

- (۱) چیستی‌ها (۲) چگونگی‌ها (۳) شیوه انجام تحقیق (۴) فهم موضوع

۶۰- کدام گزینه در مورد رهیافت رفتارگرایی صحیح است؟

- (۱) یک رویکرد پوزیتویستی (۲) یک رویکرد تجربی (۳) به کنش‌های فردی و اجتماعی انسانی است. (۴) هر سه گزینه

۶۱- موضوع رهیافت پسا ساختارگرایی چیست؟

- (۱) گفتمان (۲) رابطه دانش و قدرت (۳) شک گرایی (۴) عقلانیت

۶۲- توجه اصلی در رهیافت پسا ساختارگرایی چیست؟

- (۱) تحمیل دستگاه نظری که با قدرت عجین شده (۲) تحمیل دستگاه عملی که با قدرت عجین شده (۳) فراروی از ساختارها (۴) فراروی از هنجارها

۶۳- امرسیاسی در رهیافت‌های گفتمانی چیست؟

- (۱) نظام‌های گفتمانی است. (۲) نظام‌های معنایی هستند که کنش‌گران فردی و جمعی براساس آنها زندگی و عمل می‌کنند. (۳) نظام‌های گفتمانی هستند که کنش‌گران براساس آنها زندگی و عمل می‌کنند. (۴) نظام‌های زبانی هستند که کنش‌گران فردی و جمعی براساس آنها زندگی عمل می‌کنند.

۶۴- شیوه طبیعت‌گرایی است و شیوه تفسیری است و شیوه طبیعت‌گرایی رهیافت هنجاری است.

- (۱) تبیین، تفهم، دیالکتیک (۲) تفهم، دیالکتیک، تفهم (۳) تبیین، تفهم، هرمنوتیک (۴) تبیین، هرمنوتیک، تفهم

۶۵- کدامیک از گزینه‌های زیر در مورد رفتارگرایی صحیح است؟

- (۱) منشا رفتار عامل درونی است و از خود آدمی آغاز می‌شود. (۲) منشا رفتار عامل بیرونی است و از خود آدمی آغاز می‌شود. (۳) منشا رفتار عامل بیرونی است و از خود آدمی آغاز نمی‌شود. (۴) منشا رفتار عامل درونی است و از خود آدمی آغاز نمی‌شود.



۶۶- نحله‌های اصلی رفتارگرایی عبارتند از:

- (۱) نحله که بر محرک به عنوان عامل یا سبب رفتار آدمی تاکید دارد که در روانشناسی تجربی است.
- (۲) نحله بی. اف. اسکینر که دید ماشینی نسبت به طبیعت انسان داشت و عامل محیط نقش اساسی ایفا می‌کند.
- (۳) نحله دیوید استونی که رویکرد سیستمی دارد.
- (۴) گزینه ۱ و ۲ صحیح است.

۶۷- از نظر بی. اف. اسکینر تاثیر محیط بر رفتار انسان تنها بلکه است.

- (۱) محرک است - انتخابگر نیست.
- (۲) محرک است - انتخابگر است.
- (۳) محرک نیست - انتخابگر است.
- (۴) محرک نیست - انتخابگر نیست.

۶۸- منظور بی. اف. اسکینر از نظامند نمودن رفتار چیست؟

- (۱) ارایه گزاره جزئی برای مشاهده شرایط محیطی
- (۲) ارایه گزاره گامی برای مشاهده شرایطی درونی
- (۳) ارایه گزاره کلی برای مشاهده شرایط محیطی
- (۴) گزینه ۲ و ۳ صحیح است.

۶۹- انتخاب عقلانی یکی از نحله‌های است.

- (۱) عقل گرایی
- (۲) تجربه گرایی
- (۳) پسا ساختارگرایی
- (۴) رفتارگرایی

۷۰- در علم سیاست رفتارگرایی، به جای مطالعه دست به مطالعه قابل می‌زند.

- (۱) رفتار سیاسی - نهادهای سیاسی - مشاهده
- (۲) نهادهای سیاسی - کناکنش سیاسی - تفهم
- (۳) نهادهای سیاسی - کنش سیاسی - تفهم
- (۴) رفتار سیاسی - مسئولیت سیاسی - مشاهده

۷۱- رفتارگرایان در تحلیل خود از چند سطح تحلیل استفاده می‌کنید؟

- (۱) یک سطح تحلیل
- (۲) دو سطح تحلیل
- (۳) سه سطح تحلیل
- (۴) چهار سطح تحلیل

۷۲- کدامیک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) در سطح فردی، رفتارگرایان، رفتار رهبران سیاسی را بررسی می‌کنند.
- (۲) در سطح جمعی، رفتار گروه‌های سیاسی و احزاب را مطالعه می‌کند.
- (۳) در سطح بین المللی هم رفتار دولت - ملتها و بازیگران غیردولتی را بررسی می‌کند.
- (۴) همه گزینه‌های فوق صحیح است.

۷۳- رهیافت رفتارگرایانه در علم سیاست مبتنی بر چند اصل است؟

- (۱) دو اصل
- (۲) سه اصل
- (۳) هشت اصل
- (۴) شش اصل

۷۴- کدامیک از گزینه‌های زیر بیانگر به کاربردن قاعده‌مندیها در رهیافت رفتارگرایی است؟

- (۱) مشاهده، توصیف، اندازه‌گیری (سنجش)
- (۲) پذیرش موقت مشاهده به عنوان داده، تعمیم استقرایی
- (۳) تبیین رابطه بین متغیرها، استنتاجات منطق استقرایی، آزمایش، پیش بینی و گزارش تجربی می‌باشد.
- (۴) هر سه گزینه صحیح است.

۷۵- کمی‌سازی در رهیافت رفتارگرایی عبارت است از استفاده از برای آنها.

(۱) آمار - سنجش داده‌ها و رابطه بین

(۲) ریاضیات - سنجش داده‌ها و رابطه بین

(۳) طبیعیات - سنجش متغیرها

(۴) ریاضیات - فهم متغیر و رابطه بین

۷۶- نام دیگر نظریه انتخاب عقلانی چیست؟

(۱) رفتارگرایان تجربه‌گرا

(۲) رفتارگرایان نیت‌مند

(۳) رفتارگرایان عقلانی

(۴) رفتارگرایان موردی

۷۷- کدامیک از نظریه پردازان زیر جزء نظریه پردازان انتخاب عقلانی هستند؟

(۱) توماس هابز - دیو ریکاردو

(۲) آدام اسمیت - جان لاک

(۳) روسو - هگل

(۴) کانت - هگل

۷۸- در رهیافت رفتارگرایانه نیت مند انسان بلکه می‌باشد.

(۱) حسابگر نیست - تحت تاثیر شرایط محیط

(۲) حسابگر نیست - تحت تاثیر ذهن

(۳) تحت تاثیر شرایط بیرونی نیست - حسابگر

(۴) تحت تاثیر شرایط بیرونی است - حسابگر نیست.

۷۹- کدامیک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

(۱) الگوی عقلانیت مولفه‌ای و الگویی است که پدیده جمعی صرفاً یک جمع کمی از رفتارهای فردی محسوب می‌شود.

(۲) الگوی عقلانیت استراتژیک، الگویی است که پدیده جمعی حاصل تعاملات بین افراد است.

(۳) در الگوی عقلانیت مولفه‌ای و عقلانیت استراتژیک فرد نسبت به جمع اولویت دارد.

(۴) همه گزینه‌های فوق صحیح است.

۸۰- رهیافت طبیعت‌گرایی می‌پردازد و رهیافت تفسیری به می‌پردازد.

(۱) غیرعلی - روشن کردن دلایل

(۲) بر علیت‌ها - معانی و ارزشها

(۳) معانی و ارزشها - علیت‌ها

(۴) گزینه ۱ و ۳

۸۱- نحله‌ها در رهیافت تاویلی عبارتند از:

(۱) تفهمی، پدیدارشناسانه، انتقادی

(۲) تفهمی، پدیدارشناسانه، هرمنوتیک

(۳) هرمنوتیک، انتقادی، پدیدارشناسی

(۴) گزینه‌های ۲ و ۳ صحیح است.

۸۲- هدف از رهیافت تفهمی چیست؟

(۱) فهم پدیده‌های امکانی که مختص به انسانها هستند.

(۲) بازسازی معنا، فهم محتوایی اعمال، فهم پدیده‌های اجتماعی

(۳) بازسازی واقعیت، فهم ظاهر اعمال، فهم پدیده‌های اجتماعی

(۴) همه گزینه‌های فوق

۸۳- مقوله محوری در هرمنوتیک چیست؟

(۱) آگاهی

(۲) تجربه آگاهی

(۳) تجربه زندگی

(۴) عقلانیت